

که سند و اوراق داده همین کتابخانه را رسبت داده و هفته سه روز برای پذیرائی قارئین مفتوح است ولی با این ترتیبات کتب بیافا رفته از کتابخانه آقایان بیرون نخواهد آمد

آشپزخانه خدام آستانه

این آشپزخانه که سالی ۱۵ الی ۱۸ هزار تومان از پول مخصوص زوار و سایر محل های وقفیه که واقفین ابدآراضی نیستند صرف میشود، روسای این آشپزخانه مبلغ مذکور را از آستانه مقدسه اخذ نموده و اقل قبلی که عبارت از دو هزار تومان باشد صرف مینمایند و مابقی را به صندوق مبارکه خویش میدهند و چنانچه ذممه شد صرف منتهیات شرعیه میشود

(آشپزخانه زوار آستانه)

روسای آشپزخانه زواری که سالی ۲۰ هزار تومان از آستانه برای مطبوعات آن میگردد و نیز بیشتر از سه هزار تومان صرف مطبوعات نمینمایند تمه بصندوق خانه رئیس آشپزخانه و سایر اجزاء آن میرود و به زوار بچاره عوض شام محض میدهند

(اداره تعمیر آستانه)

این اداره بزسالی ۳ الی ۴ هزار تومان موقوفه دارد که نیز صرف تشبثات شخصیه میشود و برای صورت ظاهر نیز اقلایستی و بلندی سنگ فرشهای محن مقدس را درست و مرمت نمینمایند

(موقوفه روشنائی - و دستگاه چراغ برق)

مصارف روشنائی آستانه از ۱۵ الی ۲۰ هزار تومان است که محل موقوفه دارد و باید صرف روشنائی محن و حرم بشود و اضافه آن را صرف اعانه زواری که از دور و نزدیک با آستانه مقدسه مشرف میشوند بشود، حایه از ۴ الی ۵ هزار تومان صرف روشنائی شده و مابقی خرج تشبثات خدام و دربان کتیک و اطرابیان منت خور میشود دستگاه چراغ برق را که مدفردالدین شاه مرحوم به ۱۲ هزار تومان توسط معاون الدوله خریده و با هزار زحمت به تحویل آستانه مقدسه داده شده و دستگاه چراغ برق را که ایضاً مطرالدین شاه بتوسط تاجر بانی به هشت هزار تومان خریده و این دو دستگاه کتیک است که با اضافه چراغ های آستانه در دولت محله در روشنائی میدهد

از سوه یحرکات اهالی آستانه که در تعطیل او بعضی مدخل ها از شمع دزدی وغیره پیدا نمایند این دو دستگاه را تعطیل نموده و کان لم یکن سالی مبالغی پول آستانه را بتوسط خریدن شمع بخارج میفرستند مالاخره از تمام عایدات آستانه مقدسه که صد و بیست هزار تومان نقد و تقریباً دوازده هزار خروارجنس است اقلایست هزار تومان بمصارف لازمه نمیرسد

ایضاً

قاسم آباد که صد سال ملک طلق اولاد (روشن خان) بوده و چندی است که متعلق به محمد ابراهیم خان است و خود محمد ابراهیم خان که از خانواده بزرگ و محیب این ولایت است همراه شجاع الدوله به مشهد رفته و در چند سال قبل شجاع الدوله این املاک را به ملک التجار قبایله کرده بود، لکن وجه ملک التجار را مسترد ساخته و بیع را باطل کرده بودند، قبایله در دست ملک التجار میماند با آنکه صد سال است این املاک در تصرف اولاد روشن خان و سند شرعی از جمیع علماء و آقایان در دست محمد ابراهیم خان است، ملک التجار در عدلیه مشتهر نموده و حکمی صادر کرده و چند نفر ترک خدا شناس با سیصد نفر بربری که از رعایای خود ملک التجار اند میفرستند حرمه جیاول و غارت قاسم آباد، این جمعیت خدا شناس سه ساعت به صبح مانده که تمام مردم خواب بوده اند حمله نموده و شلیک مینمایند که چند نفر زنان حامله اولاد سقط کرده و چند نفر را مقتول کرده و حمله به خانه محمد ابراهیم خان مینمایند، آنچه اساس الیبت داشته رضات کرده که عیال و اطفال بچاره روی گاه میجویند، محمد ابراهیم خان که این خبر می شنود از مشهد به قوجان آمده و در تلگرافخانه متحصن و باولایای دولت عارض شده رئیس عدلیه و رئیس بطیبه قوجان با چند نفر علماء حرمه تحقیق به قاسم آباد میروند و تصدیق مینمایند که ظلم بزرگ به حکم ملک التجار به محمد ابراهیم خان و رعایای قاسم آباد شده، و پس از مبالغی بخارج محاربات تلگراف و عرض حال به اولایای دولت ابدآ در صدد احقاقی برنیامده اند

(حبل المتین)

اگرچه ما نمیتوانیم تصدیق صدق و کذب مکتوب بخوبی را نمائیم لکن چون مکتوب مذکور دارای

امضاء و امهار بسیار است از درج آت مضایقه نکردیم . هینقدر میگوئیم که ظلم های مستبدانه در این دوره نورانیت نباید بشود و مخصوص خاطر اولیای امور را معطوف مینمایم که پس از تحقیق جلوگیری سخت از این حرکات مستبدانه بل و حشبهان نموده باشند

در مشهد

در مشهد چند شب مجلس تیاری دایر شد و تقریباً دو بیت تومان مابط فروخته شده بود مؤسبین تیار از اتباع روس بودند - از طرف آقا زاده عدس شد که ایرانیان بدان تیار بروند حال آنکه تیار اخلاقی بود و برای مشرعیان بسیار نافع بود ریاست قشون خراسان در تراب و تطیم قشون بسیار حاهد و سعی است - هر روزه در آرک دوات تقریباً سیصد نفر را مشق میدهند و طرف عصر نیز عده از موزیکانچیان تربیت شده در آرک موزیک مینوازند، چندی قبل مقدار کای فنک و فنک برای خراسان از طهران حمل شده بود دریافت و جزه ذخیره گردید

قشون روس کای السابق در مشهد اقامت دارند هر روزه از شهر خارج شده و تا یک فرسخ از اطراف شهر را گردش میکنند - خراسانیان برای اقامت قشون روس مراسم عید نوروز را بالنکله از صرف شیری و بار دید و غیره متارکه نمودند - قزاقها از اجحاف و درشتی نیز فرو گذار نمی نمایند

سالار خاں بلوچ را که چندی قبل ریاست قشون برای دستگیری مشارالیه رفته بود و فرار بطران گرد در طهران سلب مسئولیت و مقصری را از خود مینماید و میگوید در خصوص نهب اموال شایع الملك محرم من دیگران بوده اند، نیز ده هزار تومان از آن اموال منوبه یکی از آقایان مشهد داده ام که همه خراسانیان شاهدند، پس چرا باید پول بکس دیگری رود و من مشول باشم مدرسه آستانه مبارکه به همت آقای صدرالمالک منولی باشی در دار التولیه تشکیل و تأسیس شد . رؤسای ادارات و رجال و اعیان شهر رای تبریک این مدرسه حاضر شده بودند، بسیار مجلس عالی و باشکوهی بود . یکی از متعلمین

خطابه ذیلرا بتعلیم آقا شیخ ابوالقاسم نحوی قرائت نمود .

(بسم الله الرحمن الرحيم)

حمد یجد شکر و سپاس یجدد مخصوص ذات حضرت واجب الوجودی است که اکلیل جلیل سلطنت وجهایان را بفر و فیروزی بقامت با قابلیت شاهنشاه مشروطه ایران اعلیه حضرت السلطان احمد شاه قاجار لا زالت ایام سلطنته اقتداراً بوشناید و این ملت در مانده در بیخوله های ظلمت بی علمی را از جنگال قهارانه امریمن نشان مستبد رهانید، بشکرانه این امت عطمی وموهبت کبری . سزد که از صمیم قلب بگوئیم ، زنده باد حجج اسلام ، زنده باد اعلیه حضرت سلطان احمد شاه قاجار . زنده باد امنای ووکلای ما ملت ایران ، سپس ما کودکان و متعلمین دبستان صدریه سادات که مدتی بود اوقات عزیز و عمر گران های خود را به سپرده گذرانیده و اولیای ما را محال ما رأیت و شفقتی نبود ، از سایر نوباوگان وطن وقوافل علم بفراسخ دور افتادیم (همت شهر عشق را عطار گشت)

(ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم)

بملاحظه ترفیه حال و استقبال ما کودکان آقای صدرالمالک تولیت آستان ملک پاسبان باصلاح و تأسیس مدرسه صدریه سادات قیام و اقدام فرموده تادر ظل ماطفت و کتف حمایت حضرت سلطان سرور ارتضی علی ابن موسی الرضا (ع) و عنایت مخصوصه خویش و مراقبت جناب آقای حاجی صدیق دفتر آستانه مبارکه تحصیل نمایم وسعادت دارین را در تحصیل علم بدانیم ، بلی، علم است که وحشیان ممالک افریقا را از تبه ظلالت باوج سعادت میرساند ، علم است که نفاق یک قوم سرکش و وحشی را مبدل بوفاق و اتحاد می نماید، علم است که جبلاتین تمدن و تدین را در صحنه خراسان منتشر و مستحکم میسازد ، علم است که صفحه طوس را به نیروی معرفت و اسانیت رشک جنان میسازد ، علم است که ایران نو را با یک قوه برقیه روز بروز دعوت به تجدید مینماید ، علم است که خورشید ترقی و بحات را در این عصر جدید از شرق ملت ما طالع و منور میسازد، علم است که دول اسلامیه را که از چندین سال قبل با اقدامات دشمنان دین اسلام از هم گسیخته

پودند باحماد و اتفاق ببخواند ، علم است که دول اروپا را با اختراعات عبرالمقول و صنایع عالی مسجزه پیش قدم سایر دول میسازد ، از نتیجه علم است که از چندین فرسخ مسافت بیواسطه سیم مکالمه نموده و عکس بر میدارند ،

هان، ای امنا و وکلای ما نوباوگان، چتریه شاهانه و شهری ملوکانه از علم بر سر ما گیرید که در سایه آن شهر از حرارت جهالت محفوظ مانیم **تلگرافات** در خصوص استقراض داخلی **(از عراق بطهران)**

توسط جناب حاجی وکیل الرعایا همدانی مقام منبع دارالشورای کبری ملی شیداده ارکانه ، در خدمت آقای حجة الاسلام حاجی سید احمد و آقای حاجی میرزا محمود آقا زاده های حجة الاسلام حاجی آقا محسن بودم

حرف از ترتیب استقراض از خارجه بمیان آمد وای آقایان بدم صحت این استقراض شد. گفته شد در این صورت باید همراهی از داخله شود، آقایان صورت اسامی ذیل را که مخصوص قایل خودشان است نوشته از بابت اعانه تقدیم نمایند ، و در وقت لزوم مراتب شده دریافت شود مستدعی است عین تلگراف را کوییه بدمید در جریده مجلس و ایران نو اعلان شود که گوشزد سایر بزرگان هم بشود

(سید عبدالقادر تبریزی)

آقای حاجی سید احمد	—	پانصد تومان
آقای حاجی میرزا هادی	—	پانصد تومان
آقای حاجی میرزا شمس الدین	—	سیصد تومان
آقای حاجی آقا بزرگ	—	دویست تومان
آقای حاجی آقا مصطفی	—	دویست تومان
آقای آقا اسمعیل	—	دویست تومان
آقای آقا حسین	—	یکصد تومان
آقای آقا عبدالعظیم	—	پنجصد تومان
آقای آقا حبیب الله	—	بیست تومان

(از طهران به تبریز)

خدمت جنابان مستطابان اعضای محترم انجمن مقدس ایالتی و جناب مستطاب اجل عالی آقای سردار ملی دام اقباله العالی - پس از تبلیغ عرض ارادت و اهدای سلام بنا بر احضار تلگرافی این خدما و وطن **تلگرافات** در خصوص استقراض داخلی **در صورت**

لزوم بمخبرین جراید هم اطلاع داده میشود قتی زاده ، شیخ اسمعیل ، معین الرعایا ، تربیت ، نوری خیابانی ، مستنصر السلطان ، نجات ، معتمدالتجار قزوینی - حاجی میرزا رضا خان .

(از تبریز به طهران)

پس از تبلیغ مراسم خلوص عقیدت و ارادت اظهار میداریم و مقصود از زحمت افزای این بود دیروز منصدی بودیم در خصوص باقی مانده گان شهدای راه حریت که هر کدام گرفتار انواع فلاکت و اقسام ذلت بوده و این مخلص در تحت فشار ارامل و ایثام که ترفیقه حال ایشان اهم فرایض مصادر امور است با جنابان مستطابان عالی حضوراً مذاکرات لازمه نموده و مساعدت حضرات آقایان و اعضای محترم دارالشورای کبری ملی بمسائل معروضه جلب نموده و خاطر آغینابان را مستحضر دارم که این خادم ملت شخصاً طالب حشمت و جلال و شکوه نبوده است اقدامات و فداکاری های خود محض استقلال و سعادت وطن عزیز است از قراریکه مسوع گردید گویا در مجلس محترم وزراء استقراض خارجی مطرح شده مطالب سابقه را بکلی فراموش نموده

با کمال التهاب درونی از آن جنابان توضیح اینجمله را خواستارم تا عرایض خود را اظهار دارم (خادم ملت ستار)

(جواب از طهران)

حضور آقایان دامت تائیداتهم، در خصوص استقراض خارجی سؤال فرموده اید تحصیل آن از این قرار است که از بدو روی کار آمدن دولت جدید برای تنظیم و تامین کابینه بمساک محروسه و اصلاحات مهمه مملکتی احتیاج شدید خود را بوجوه نقدی و یک مبلغ مهم فوری حس کرده و روز بروز این احتیاج شدت پیدا میکرد ، چرا که از چهار سال پیش باین طرف تقریباً خزانه دولت بکلی خالی و دست اولیای امور بواسطه اقدامات گذشته گان و استقراض متوالیه از هر سر چشمه پایدات تهی مانده همان در حیات مغضرالذین شاه پیش از افتتاح مجلس اول قرار یک استقراض بمبلغ چهار صد هزار لیره انگلیسی از دولتین همسایه به تصویب رسیده بود ولی از افتتاح مجلس اول

فورا لایحه حاضر شده و بمجلس تقدیم شد که با کمال عجله و تهاک در گذراندن آن سی وانی و شتاب داشتند و ملاحظه فرمایید در مضامین ۱۳۲۴ پس از یک ماه مذاکرات از مجلس رد شد که بانگ ملی در عوض آن تأسیس بشود

تفصیلات دوره مجلس سابق وزحمت فوق‌العاده دولت در آن دوره از تنگ دستی و پیدا کردن ار آن طرف و این طرف آخرین قطره های ذخیره دولت و منابع امپد مملکت را و مصرف رسانیدن آنها مشروحاً معلوم است. بعد از واقعه خرابی مجلس و عود استبداد نیز چنان که مبادید یکسال تمام دولت سابق در تحدید آن استقراض سابق چهار کرووری سی کرده و برای مصایبه دولت و امتناع آنها بدون تصویب مجلس ملی مساعی دولت بدر رفت. و موفقیت حاصل شد. مکرر بعد از اعلان مشروطیت که آن وقت دولتین راضی شدند که علی الحساب دو کروور بدولت محمد علی میراثی بدهند بشرایط سحتی که دولت روس یک کروور حصه خود را بعد از اعلان انتخابات و دولت انگلیس یک کروور بعد از افتتاح مجلس و تصویب آن میداد در این انا جمله ملتیان طهران و تبدیل سلطنت آت اوضاع را هم زد. بعد از تشکیل دولت جدید نیز مرتبشینی برای تحصیل وجهی از بانکها و دولتین شد همه تعیین با افتتاح مجلس و تصویب آن میگردد یا آنکه دولت کمال احتیاج را داشت و ضرورت فوری محور به آت اقدامات معلوم میدود در ابتدای افتتاح مجلس هیئت وزراء عظام پروگرام خود را به مجلس تقدیم نموده و مجلس بالاتفاق پروگرام آنها را و خودشانرا پذیرفت.

یکی از اصول آن پروگرام تکلیف یک استقراض خارجی تقریباً بمبلغ سب و بیست و دو کروور بود که پنج کروور آن تقدماً بشکل مساعده دریافت و جزو بودجه سال جدید شود که کسایب تشکیل اردو های نماینده سی هزار قشون معصوم و سیر نماید و مانی بعد ها برای پرداختن حساب جاری بانکها و قروض دستی دولت بکار خورد. چنانکه مبادید مجلس اجازه تقاضای این استقراض و دخول در مذاکره آن را بوزراء داد. که بعد از رسیدن جواب دولتین و ترتیب آن مشروحاً لایحه استقراض

به مجلس تقدیم شود سکه نظر به موافقت و عدم موافقت شرایط مجلسی قبول یا رد نماید. سه ماه بیشتر از اظهار رسمی وزراء دولتین گذشت و اثری از جواب ظاهر نشد دولت و ملت با کمال بی صبری منتظر جواب رسمی دولتین بودند تا بحسب صحت و سقم ترتیب آن یا بگیرد و یا هر چه زود تر برای مخارج بهار و مصارف سال نو فکر دیگر نماید و رجوع بحیثیات ملت خود بکند. تا درین اواخر یعنی دو هفته پیش جواب استقراض بمبلغ چهار کروور تومان با شرایط آن از دولتین رسید. ولی تا امروز به مجلس شورای ملی تقدیم نشده و گویا مبان خود وزراء و از دولتین مذاکرات در تعدیل شرایط و غیره جاری و هنوز خبر رسمی از این يك به مجلس رسیده ولی گویا نظر بآنچه از گوشه و کنار شنیده میشود محققاً همت فوق‌العاده ملت در این باب لازم خواهد شد که سلطنت ملی را که بوحودش افتخار داریم از نیارمندی به بیگانگان برهاند و ثابت شود بهام که ما نه تنها بگرفتن نعمت حریت و حاکمیت ملی و استقلال که آسان است قادریم. بلکه به نگاهداری سلطنت ملی و حکمرانی مشروع است سکه مشکل تر است نیز مقتدر و به اداره خاک خودمان لایقیم. این است که چون صرف نظر از تحصیل وجه مهمی غیر ممکن و مقداری نقد امروزه روح و حیات و اسباب نجات مملکت است ملت ایران در داخله و خارجه خصوصاً طهران و عراق و مشهد و رشت و بالاخص تجار معتبر طهران و هم مخدرات اسلامی در پایه تخت به جنبش و حرکت آمده اظهار مهیا بودن خود را برای هر نوع کمک بدولت محبوب خود و قبول هر قسم مالیاتها و استقراض داخلی و اعانه و غیره کرده و میکنند. و از نتایج همین اقدام امکات و عدم امکات نجات ایران معین و معلوم خواهد شده (آقا یاب مدیران جراند نیز تشریف آورده و حاضرند. مستدعی هستیم فهرست اسامی اوامل و ایتمام شهدای تبریز را به تحقیق و تفصیل درست کرده بتوسط پست ارسال فرمایند. جناب حاجی میرزا آقا نیز حاضر و سلام دارند

(ایضاً از تبریز طهران)

حضور حاضرین مطالبی که فعلاً مورد مذاکره

نسبت نهایت اهمیت را دارد با ضیق وقت ممکن
تست ادای عرایض، استدعا می‌رود که دو ساعت
تویگر از کبکسای - خواهی، اجازة سیم را گرفته تا
خطاب لازمی عرض شود. (حاضرین)

(از تبریز بطهران)

ملق که در راه تاسیس و تحصیل حکومت ملی
تقد حیات خود را بطبق اخلاص نهاده از هرگونه
جان بازی فرو گذاری نکرده تا شامد مقصود را
در بر گرفته در راه محافظت دولت ملی از تار
مال خود بهر ترتیبی که متخین و برگزیدهگان ملت
تصویب نمایند حاضر خواهد بود. همان باقی ماندهگان
شهادی راه سعادت وطن، همان اوامل و ایتم که
کفیلان معاش خود را در خاک و خون غلطیده
دیده. در نذل مایملک خود برای آنکه دولت دست
احتیاج خود را با کمال ذلت و شرایط منحوسه و
میشومه بسوی اجاب دراز نکند حاضر است

(خادم ملت ستار)

(تبریز بطهران)

حضور حاضرین تلگراف خانه دام تأییداتهم،
بعد از اطلاع سلام مستندی هستیم در باب استقراض
مقررات وزرا، رأی دارالشورای کبری چیست
اطلاع فرمایند (حاضرین)

(ایضاً از تبریز بهطهران)

جواب - از مصوم تلگراف حضرات عالی که
مشروحاً تفصیل مسئله استقراض را بیان فرموده
بودند اطلاع حاصل شد. امر استقراض خارجی ماقطع
امروزه برای دولت و ملت و مملکت سم قاتل بوده
چه حایه آنکه متضمن شرایط منحوسه باشد، و
جلوریکه عرق حیت و ناموس طلی هموطنان
طهران در این مورد بجوش و خروش آمده است
ملت آذربایجان هم از اعلی و ادنی حق آعحدرات
وشاگردان مدارس شدیداً امتناع استقراض خارجی
را به نمایندگان ملت پروتست مینمایند، و همانطوریکه
برای حکومت ملی سر و جان دادند امروز هم
برای معاونت دولت محبوب خود و حفظ ناموس
وطن با دل و جان حاضرند که بهر عنوان ترتیبات
ملی اعانه ملی یا استقراضی و سایر و سایر از قبیل
تنصیف مایات بدهند بدولت خود همراهی کنند که
چکلی اشکار اولیای دولت از استقراض میشومه خارجی

منصرف شود. آذربایجان حاضر تقدیم جان و مال
هستند و همینقدر اصول آنرا باید اعلام فرمایند
تا بانجام آن اقدامات لازمه شود. مسلماً بعد از
اینکه دولت در صدد انتظام امور مملکت و ترتیب
اداره لشکری و کشوری باشد ملت از هیچگونه
معاولت مضایقه و خود داری نخواهند نمود
حاضرین تلگرافخانه

(از طهران)

حضور آقایان محترم حاضرین تلگرافخانه
مضمون تلگراف جناب عالی امید و اتمار را که بوطن
خود و همت معروف آذربایجان داشتیم تکمیل کرد
و از طرف خودمان از این حسن استقبال کمال
تشکر را داریم، ولی باید در نظر گرفت که دولت
حقیقتاً محتاج بوج است و این حسیات و هیجاش
مدرد دولت دوا نمیکند مگر وقتی که فسی بشود
نه قوی، و امیدواریم از ملق که اصول اداره
چندین ساله خود را در این عصر و تاریخ تغییر و
تجدید داد که حقیقتاً آثار حیات ملی و روح استقلال
را احیاء دارد چون حالا وقت انعقاد مجلس فوت
میشود عجائباتاً مرضش شدیم اگر درایش دیگر هم
باشد بخاره فرمائید با میرساید

ایام سعادت مستدام باد حاضرین تلگرافخانه

(از طهران به تبریز)

جناب مستطاب احل آقای سردار ملی دام اقباله
تلگراف حیات بخش آنجناب مایه قوت قلب
و کمال امیدواری و موجب نهایت تشکر است، بدیهی
است در ایامی که بای استقلال و من در میان است
بطوریکه فرموده اید ملت ایران عموداً و خصوصاً
آذربایجان داد وطن پرستی را خواهند داد، در
خصوص اسامی باقی ماندهگان شهادت راه حریت هم
انشاء الله تعالی پس از رسید صورت اولیای امور
توجه مخصوص خواهند فرمود هم قدر ایحادمان
وطن از شخص شخص حضرت عالی خواهشمندیم
که همواره با احسن مقدس ایالتی کمال هم-راهی را
فرموده و متقاً با مقاصد ایالت حلیله در اصلاح
امورات آذربایجان همراه باشید - حاضرین

(مکتوب شوشتر)

(قابل توجه اولیای امور)

اعالی ان بده یک پشت مردمان سلیم النفس و

مطیع دولت و حکومت و عدالتخواه اند، چیزی که هست يك بلاي ناگهانی یا يك قضای آسمانی در این نقطه فرود آمده و آب این است که شهر شوشتر تقریباً ۲۰ هزار جمعیت و منقسم به ۱۳ محله است و هر محله چند کدخدا و حکمران دارد و حتی بیکار بیچاره الوار و اشرار جمع شده و دست ظلم و تعدی و بی حسابی دراز نموده و تعدی و ظلم را نه باندازه و حدی رسانیده اند که بتوان کاملاً شرح داد، و فضاحت را بدرجه رسانیده که شب و روز مشغول حرکات عیاشی و حرکات خلاف شرع شده و لوازم این امور را حیرتاً عنناً هر کدخدائی از محبه خود میگیرد، بچاره اهالی آن محل اگر سر از اطاعت بچند فوراً هستی آنها را به باد فنا میدهند و قهقهه تازه که خیلی مایه تخریب گشته آن است که درجه تعدی و وحشیگری خود را به جای رسانیده که املاک مردم را متصاحب میشوند، مثل آنکه که چندقطعه زمین و آسیاب که متعلق به جناب مستطاب حاجی سلطانی صاحب تاجر شوشتری مقیم عیاشی و در محله اشکنفی که کدخدای آن آقا شکرالله ابن آقا کلب علی است متصرف شده و اراضی و اسباب را بی جهت تصرف کرده و غالب مردم ایشانرا بصیحت کرده و اعتقائی نکرده است، خیلی جای تعجب است يك شهر ۱۳ کدخدا و چند حکمران :

(جبل المتین)

آنچه معلوم میشود وقوع این حرکات و وحشیانه از بداشتن حکومت استمداد کافی است، اولیای امور راست که بزودی توجی بطرف عربستان فرموده و استمداد کافی جهت حکومت جلب فرمایند که حکومت از عهد جلوگیری اشرار و این گونه حرکات و وحشیانه برآید

عربستان

بجس اقدامات و توجهات ککامله ایالت عربستان آقای حاج فخر الملک این صفحه کاملاً مرتب و قبلاً در تحت انتظام است، لاسیما از بدو ورود بدرقوفول شب و روز مشغول ترتیبات آسایش عموم و رتق و فتق مهم امور میباشد، اگرچه محالین عائق مالیات دیوانی و محرک اشرار محرا در اطراف شر شده، من جمله چندی قبل (دیرکوند) کله های دزفول را غارت نمودند، همینکه ایالت

متضرر شده فوراً سوار بختیاری را بسر کوی اشرار حرکت داده تعاقب نموده بآنها رسیده چند نفر از آنها مقتول و تمام غارت را گرفته بدون کم و زیاد بصاحبان مسترد و تسلیم کردند، چند رأس اسب از سوار بختیاری فقط کشته شده بوده، قیمت آنها را و ایالت از خود بسوار مرحت فرمودند از بابت مالیات هم آنچه لازم رعایت و رعایت و مدارا بود نمودند، و بتدایر عملی در دفع مواد فاسده اقدام فرموده عموماً با کمال طیب خاطر فعلاً با قساطر معین مشغول پرداختن مالیات شده اند، بحدائقه قاطیه اهالی مرفه الحال مشغول دعا گوئی و کسب و کار خود هستند اگر بگذارند تا خداوند چه مقدر فرماید لکن بدالله فوق ایدیم امیداست روز بروز بتوجهات ملت و دولت و این قبیل اشخاص با لیاقت کافی کاردان بر ترقیبات نوع و ترتیبات افزوده گردد

عمره

سارقین که در (عمره) صندوق آهنی سرقت کرده بودند به حسن معامی حکومت گرفتار شدند و یکی از آنها فرار نموده به قونسولگری (انگلیس) پناهنده گردید به محاسن اقدام کار گذاران محلی و حق شناسی (فتنت و یلس) تکفیل قونسولگری تسلیم و همه را به (قبلیه - عمره) برده توقیف کردند تا تکمیل استنطاق و مجازات کنند، به قرار معلوم چند فقره سرقت دیگر هم بروز و بهر صورت (سردار ارفع) و کار گذاران محلی در این مورد نیز کمال کفایت و انتظام پرور را ظهور داده اند، و ای کاش حکمران (بنادر) و دیگران هم قدری به حدود (عمره) ناسی نموده تا این درجات جراید و مطالعه کنندگان را متاذی نمیکردند

(ایضاً)

تلنگرافات (طهران) از حضرات علماء و غیره در خصوص عدم اقدام به جشن نوروزی چند روز بعد از عید و انتضای مراسم به (عمره) رسیده، س های عمره و (عربستان) غالباً خراب و از این رهگذر مردم دو چار بلیه و عذاب هستند، و عجب است این حال از طرف باشرف وزارت جلیله تلنگراف برای اصلاح بطور صحیح توجی نمیشود، همچنانکه شکایات از تلنگرافی های (بنادر) و غیره بجا نرسیده سهل است خبر دلی به امانت ایشان

چه قسادی دارد، امیدواریم که بعد از ورود حکومت و اقدامات شایان شان در جلوگیری از هتک شدن رفیع بعضی خیالات از سر مفیدین بشود

✦ اخبارات خارجه ✦

¶ (بارک تواین) امریکائی مضاف و دافع زندگانی گفت متروکه او که فقط از فروش مصنوعات خود حاصل نموده قرب یک میلیون دور است -

¶ بموجب تلگراف سنیر انگلیس مقیم (بیکن) در (چنگ شا) حمی مسلح بنای بلوا گذارده رعایای ملل خارجه بر دو جهاز انگلیسی بنا نهاده اند ¶ سنیر انگلیس از (بیکن) اعلام می نماید که در (چنگ شا) مجدداً شروع به انتشار شده و نیز از (هسکاؤ) در (نیویارک) تلگرافی رسیده تصدیق اخبار فوق را کرده است که بسیاری از رعایای چین را هلاک، مدرسه و سی هزار نفر آتش زده اند - یکی از کشتی را سوزانده دریا سیر داده تا جهازاتی را که برای نجات اهالی خارجه آمده بر باد سازند ¶ از (واشنگتن) خبری رسیده که سفیر امریکا مقیم (بیکن) تلگرافاً خبر داده که خوف انقلاب در (هونان) می رود و سیر مذکور حکم داده که اگر لازم شود سه جهازات آسیائی مدد به جبراز (اموی) برساند

¶ بموجب خبری که از اسلامبول رسیده اعلی حضرت سلطان را آبله زده ولی خیلی کم است

¶ مخبر (روتز) از (سنگائی) خبر میدهد که حالت (هونان) بسیار خوفناک و اهالی خارجه محکوم به هجرت شده - خبر تازه (چنگ شا) ایست که در آنجا انقلاب جدیدی شده آمان که پناهنده به سنارت انگلیسی و خارجه در (چنگ شا) هستند تشکر از سرت انگلیس نموده که جان و مال شانرا حفاظت کرده است

¶ تلگرافی از اسلامبول رسیده که در (البانیا) مجدداً بلوا بالا گرفته - بلواییان قرب (۳۰۰۰۰) هستند در مقابله آنها چهار تالی عساکر فرستاده شده - در چند نقطه چنگ سحت پیش آمده است

¶ در مجلس ملی اسکستان دیشب (مستر ستین جمبرلین) بر مسئله بودجه بحث زیاد نمود خاصه بر فصل عواید اجازه نامه های کسب و تجارت ¶ اداره بلدیة یاریس - دیروز پذیرای شایبان (مستر روزبولت) نمود ¶ تلگرافی از اسلامبول رسیده که چند هزار از

هزاره تلگردد و وزارت داخله حکم میفرماید حقوق (توبیجی) به نظارت او ماید و باعث زحمت برای کفن دزد اولی - هر چند جناب (مبشر هیون) بریاست تعمیر سیم (سرستان) مأمور شده ولی این نیز مثل نظارت تلگرافی در حقوقی توبیجی و از ماست مالی و مرچ و مرچ بازپرسی قبل از ضرورت است، باید مخارجی را که ارسال برای تعمیر متحمل میشوند و نتیجه دوستی بر نمیدارند یکمرتبه گذارده تیرهای چوبی را آهنین نمایند و الا صداقت و کفایت (مبشر هیون) هر قدر افزون باشد همین است که بوده و هست و راه رفته به ایشان و خسارت بی جهت برای اداره تلگرافی می ماند

✦ شام ✦

جناب مستطاب آقای آقا میرزا علی آقا مجتهد تبریزی مقصد آقایان حجج اسلام نجف اشرف که مدتی بود به تبریز رفته بودند در مراجعت از طریق روسیه با اسلامبول و بمصر تشریف بردند هفته قبل وارد شام شده شب گذشته از طریق حلب عازم عتبات عالیات شدند. خداوند وجود امثال این قسم علمای عالم باحوالات عصر را زیاد فرماید که وجود آنها خیلی مفید است

✦ تبراز ✦

بمقد الله حکومت مشروطه خواه با قوای قاهره که قبلاً درج میبایم جهت فارس حرکت نموده

فوج دوم همدان

فوج سوم ساوه

فوج ششم ده جیرین

فوج اول انشار

فوج چهارم کرمان شاه

سوار (۲۲۰۰) نفر

توپ (۶) عراده

توبیجی (۲۵۰) نفر

نصرالدوله با بعضی از اشرار و منسین دیگر معاهدها کرده اند هنوز معلوم نیست که خیال چه قسادی داشته باشند

ضرفام الدوله برادر سردار شکاری ها همراه میباشند، صولت الاولیایه در راه است و ان خان پسر پادروخان که الی ۱۰ روز بعد بود در تبریز در حوالی (حنج) بود اندک آنروز در رسیده هو عراده توپ همراه سرحی محمود خان در حکم میبند و فراش بند و درم شیراز بوده در راه صولت الدوله توپها را گرفته توقیف میباید صرف الدوله در صدد تشکیل او هو است معلوم نیست که خیال

و شوهر شان در قصر (هتلو) تناول عصرانه نموده - و بعد در (امستردم) و از آنجا به (هیک) رفت - کالسه مخصوص ملکه برای سواری ایشان احتراماً فرستاده شده است (مستر روزبولت) رسماً مهمان سلطنت در هر نقطه شناخته می شود

(۱۹ ع ۲ - ۳۰ اپریل)

بموجب خبری که از اسلامبول رسیده (البانیان) قصد فرار از محاصره (کچانیک) دارند و قشون جلو آنها را گرفته - امید است که دوه مزبور از اشرار امروز صاف شود

از (و یانه) خبر رسیده که (البانیان) تصرف بر (ایک) و (جاکوده) نموده و حمله سخت بر (کچانیک) ظاهر میدارند - در تصرف نمودن کوهی تحت الحکم ترکت پاشا (۶۰۰) سرباز عثمانی مقتول شده

مسوده قانون مسلوب الاختیار نمودن هاوس آف لارد موسوم به (قانون پارلمنت) اشاعت گردید مخبر (روتر) از (هیک) خبر میدهد که (مستر روزبولت) (هوستن بش) را که در آنجا اولاً شورای صلح شده بود ملاحظه نمود (مستر روزبولت) از (امستردم) به (کون هیکن) رهسپار گردید

بسیب اینکه مجلس ملی عثمانی سالانه پنجاه نفر شوهران شاهزاده خانمها را از بودجه خارج کرده وزیر طالبه عثمانی استعفا داده - وزراء دیگر هم اراده استعفا دارند

رسانه در اسلامبول اشاعت شده که دره (کچانیک) از دشمنان صاف و بهیچوجه نقصان به راه آهن نرسیده، بعد از کنار نمودن سنگ و غیره ایاب و ذهاب شروع کردید، خسارات جنگ بیان نشده، ولی از کامیابی قشون نتیجه های نیک محدود نظر است باز هم اراده فرستادن قشون امدادی دارند، محض تهدید (البانیان) بواسطه تحرکی که وکلای البانیا در خصوص فرستادن کیسیون در حفظ امنیت (البانیا) نموده بودند پارلمان عثمانی تعطیل گردید

(۲۱ ع ۲ - ۲ می)

سپهسالار عثمانی خبر میدهد که دودره (کچانیک) (البانیان) مخالفت سخت نموده و بسیاری مقتول و مجروح شده، خیلی هم گرفتار گشته، یقین است که بلوایشان شکسته اکثری رجعت به اماکن خود می نمایند، خبر غیر رسمی اینست که در جنگ ۴۳ ساعی (۱۰۰) نفر ترکی و (۴۰۰) البانی مقتول شدند

(البانیان) راه آهن (کچانیک) را متصرف شده و خوف آت است که مخبرات با (اسکب) مسدود و عبور و مرور قشون عثمانی شمالی (البانیا) موقوف گردد - و نیز خبر است که قشون عثمانی در (استانجا) از (البانیان) شکست یافته

بتالین قشون عثمانی آماده روانگی (البانیا) است - و فعلاً در آنجا (۲۵) بتالین موجود است و ممالک متحده امریکا برف زیادی باریده و خیلی نقصانی به زراعت پیه رسانیده

اعلیحضرت سلطان صحت یافته ولی ضعف دارند و اعلیحضرت پادشاه انگلستان با (میواسوالسکی) وزیر خارجه روس صرف چائی صبح نموده و از طریق (بیازر) رهسپار لندن شدند

بودجه انگلستان در کیسیون پارلمان امضا یافت و بلوایشان البانیا مجدد قشون عثمانی را که در صدد صاف کردن دره (کچانیک) بودند عقب نشاندند

قبائل (لی او مه) با بلوایشان البانیا متفق شده - راه (فیری زوویچ فریزر ویند) را مسدود کرده و راه وسط (بریشتینه و اسکب) را خراب کرده - از این دو اهالی اسلامبول متشوش اند و در مجلس ملی لایحه بودجه بار سوم قرائت شد و در مجلس اعیان بار اول

اعلیحضرت پادشاه انگلستان وارد لندن شدند و تلگرافی رسیده که حکومت مصر روزنامه را که برخلاف بطروس پاشای رئیس الوزرای مقتول مقالات می نوشت حکم به توقیف داد

امروز عصر (مستر اسکویت) رئیس الوزرا با اعلیحضرت پادشاه انگلستان ملاقات نمود که در برخی مسائل پلیدی شفاها گفتگو نماید و مجلس اعیان بودجه را امضا نمود و افواه است که در بودجه جدید بر کربک چائی و شکر افزوده خواهد شد

وزرای مجلس ملی (استریلیا) دیروز بموجب قانون قسم خوردند

بموجب تلگراف (پتسبرگ) سنیر دولت روس مقیم (یکن) را حکم شده که دولت چین را آگاهی دهد که مشله رود خانه (سنگاری) اگر تا اول جولائی مطابق عهد نامه انفعال نیابد دولت روس پای بندی به قوانین دولت چین نخواهد کرد

تلگرافات

(۱۸ ع ۲ - ۲۹ اپریل)

(مستر روزبولت) بعیت ملکه (هولاند)

§ (کادر فیری) بحیث خاندان خود و (کتابت
بارتلیت) وارد (یلای موت) و از مباحثه بر دعاوی
(هاکتز کوک) انکار نموده است، اظهار داشته که
وی امر بزورکی را به پایان رسانیده که در قطب
شاهی برای سایرین راهی را منتوح ساخت ولی
متأسف است که امریکائیان برای کشف طرق قطب
جنوب نتوانستند وجه فراهم نمایند

§ مخبر (روتز) از (لسبن) خبر میدهد که مستر
اسکویت و زوجه محترمه ایشان و (مستز مکینه)
وارد (لسبن) و با پادشاه (منول) ملاقات نمود

§ مخبر روتز از (ویانه) خبر میدهد که بموجب
تلگراف (اسکب) نشون ترگت پاشا از دره
(کاجنیک) بسمت (کراپل حیواتس) رهسپار
است تا در آنجا (البایان) را محاصره کند. (کرنل
اسدی) با دو رجان فوج و توپ زیاد مشغول
جنگ با عده زیادی از (البایان) میباشد، خبر
رسیده که از طرفین اطلاق نفوس زیادی واقع شده

(۲۲ ع ۲ - ۳ می)

§ مخبر (روتز) از (کنتان) خبر میدهد که
احکام ساعی اند که بر تریاک وارد از خارجه
کمرک زیاد کنند، و از نیم ماه می جاری شود،
تجار انگلیس (هنکانک) مبادی پیش نموده که این امر
خلاف عهد نامه است، ورود تریاک بالمره موقوف است،

§ (مستر روزبولت) وارد (کریشچیانیه) و با
احترامات شاهی استقبال شد، و در قصر کریشچین
هنتم توقف نمود. چندی میگذرد که در همین قصر
اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان توقف نموده بودند،

شاهزاده ولیمهد و زوجه محترمه شان منجان والد
حاجدشان که این وقت در (ریواریا) هستند
وسماً دعوتشان کردند - در (برلین) هم استقبال
(مستر روزبولت) با کمال تجمل شد - اعلیحضرت

امپراطور آلمان در اینستگاه راه آهن ملاقات کرده
در قصری که در سنه ۱۹۰۸ اعلیحضرت پادشاه
و ملکه انگلستان متوقف بودند توقف خواهند نمود
§ در مجلس ملی عثمانی درباره سالانه سخواد

شومران ۶ نفر شاهزاده خانم ها اشکالی که شده بود
رفع شد - و کلاه مجلس ملی وعده قبول نموده اند
§ در (پترسبرگ) (مستر تفت) در مجلس ضیافتی
ضمن نطق خود در خصوص دولت چین تمجید

زیادی از بلدیك (مستر ناکس) نمود

§ شفقت پاشا خبر میدهد که در جنگ ۲۳
اپریل ۱۲ نفر مقتول و تلنات بلوایشان البانی بر

۲۵۰۱ نفر نهمین شده، تلفات بلوایشان در دره
(کاجنیک) (۵۰۰) و از عثمانی (۱۲۲) بوده
روز دوشنبه گذشته هم جنگ خفنی واقع شد.
(۲۲ ع ۲ - ۳ می)

§ مخبر (روتز) از اسلامبول خبر میدهد که بنوان
غیر رسمی خبر رسیده که جنگ سختی در (دیاگوا)
شده و خبر رسیده که بلوایشان شهر را متصرف و

بر يك بتالین فوج که از (ایک) به (دیاگوا)
میرفت حمله کرده و مقهوراً با نقصانی زیاد عقب
نشسته در اضلاع کوهستانی عده زیادی در (فیری
زویج) و (کاجنیک) بلوایشان فرام نموده اند

§ مجلس پارلمان عثمانی سخواد شومران ۶ نفر
شهرزاده خانمها را مجدد شامل بودجه نمود

§ اعلیحضرت (ادورد هنتم) پادشاه انگلستان به
عارضه ورم شدید قصبه ریه مبتلا و ديفراض هستند
§ بموجب ورقه اعلامیه حالت پادشاه انگلستان

بسیار خوفناک است

§ شهرزاده ولیمهد انگلستان و زوجه محترمه شان
امروز به عبادت پادشاه آمده علت مرض پادشاه از
سرما خوردگی سختی است که در (بیارتز) عارض
ایشان شده بود

§ (مستز اسوالسکی) وزیر خارجه روس در مراجعت
از (بیازنر) در (برلین) توقف و با (هروون
شوین) وزیر خارجه آلمان ملاقات نمود
(۲۰ ع ۲ - ۳ می)

§ اگر چه پادشاه انگلستان شب را راحت
گذرانده ولی حالاً پشرفتی در صحت نه کرده و
مرضشان خیلی مخوف است

(۲۶ ع ۲ - ۳ می)

§ ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه از شب گذشته
پادشاه انگلستان وداع زندگی نموده

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه راجع ایران

اخبارات آلمان علی العموم در مسئله رد استقراض
روس و انگلیس اظهار مسرت نموده ایرانیان را
تمجید کرده بشارت میدهند بحفظ استقلال و روس
و انگلیس را ملامت می نمایند به خود عرضی و
شرح میدهند مصار شرایلی را که دو تین برای این
جزئی وجه بدولت ایران که اظهار دوستی با وی
می نمودند و ایرانیان را تشجیع نموده میگویند

بهیچ وجه نباید مرعوب شده گردن به تجاوزات روس و انگلیس بدهند و با صریح قلم ایرانیان را از خواب غفلت و جهالت بیدار ساخته مینویسند که دولت ایران در امور داخلی و خارجی خود آزاد و مستقل و بهیچوجه نباید خود را پای بند بمعاهده دولتی روس و انگلیس داند، چه آن فقط بمعاهده بود بین روس و انگلیس و از روی آن بمعاهده خودشان را پی سد کرده اندا ربطی با ایران و دولت نائی ندارد، چنانچه شامل در این معاهده بود مشبه مقدونیا و باسکان و تبت و افغانستان و ایران تمام مسائل راجعه بمعاهده دولتی آنها و هدر شد و دولتی هر آن بآن نقاط به نظر حسرت مینگرند فقط مسئله که درین معاهده باقی مانده ایران است چون اساساً این معاهده دست از هم برداشته تار و پودش نزدیک است متلانی شود به یک جنبش غیرمتمدانه ایرانیان تار و پود این معاهده بریاد تواند شد و بز تهدیدی نمایند دولتی روس و انگلیس را چنانچه عاقبتاً مینویسند که ایته قشون روس و انگلیس چنانچه قشون اسپانیا و فرانسه از مراکو خارج شده بیرون خواهند رفت و بقول سر ادوردگری وزیر خارجه انگلیس که در برلمان اظهار داشته دولت ایران هرگاه در سیر عاقل امتیاز تعمیر راه آهن بخارجه دهد ما هم داری همان حق خواهیم بود، قهقه زده ازین دعوی باطل نسبت بی دبیاری سر ادوردگری داده میگویند. دولت ایران و دول سایر هیچگونه اهمیتی باین قول نداده محل بر بد دبیاری می نمایند و مبنای این سخن سر ادوردگری را جز حق زور گونی که مانی با نزاکت های سیاسی شناخته شده می بدارد، و فقط جواب آن را همان ترك نزاکت سیاسی میداند و نیز دیات شعاری و صدق قول و بیت خاص خود را درین موقع نازک ایرانیان نگاشته میگویند همسایگان دوست شما درین موقع نازک میخواستند باسم شهد سم دو کام شما ببرند و سم این قابل مسامحه قبائل استقلال ایران را حاکمه دهند، و خلاف آن آلمان با نیتی خالص برای نجات ایران از مشار سحت دو همسایه دوست نما حاضر گردیده ما آلمانیان در حفظ استقلال ایران نظر مسامحی که در حتم سلطنتهای اسلامی داریم کوتاهی نوانیم کردی

(گرگدا کادل بود تمهید صاحبخانه چیست)

حرائد روسیه آمد و شات و شوتهای بیدار که از سوشن مرعوبیت حاکمان آشکار است، مینویسند

که تا وقتی اتحاد بین ما و انگلیس قائم میباشد دولت نائی نمیتواند در مقاصد ما در ایران دخل وارد آورد، و به یک تهدید لندن و پروس بگره کس باشد پیش پای خودش خواهیم نشاند، و نیز ایران را تهدید می نمایند که اگر پای نائی را بیدار آورده و در مقابل ما رقیب ترانی نمایند چنین و چنان خواهیم کرد، و همچنین سعی اند که لزوم قیام قشون خود را در ایران مدال دارند، و علناً حمایت از تجمعایون کرده می نویسند که علاوه بر رطایب خارجی بسیار از اهالی ایران هم مائل باخراج قشون روس نبوده و نیست و از طرف دیگر کوشانند که برطالیان ثابت کنند که دولت ایران با همسایگان مراعات دوستی نموده و صاف مینویسند که ما نمی توانیم ایران را در همسایگی خود یک دولت مقتدر قوییم با آزادی و استقلال تام مشاهده نمایم، و ایرانیان را متوجه می سازد بر اینکه آلمان پیش از دول سایر اروپا خود غرض است و عاقبت ایران را به چاه انداخته و برای خود فایده حاصل کرده با دوستان قدیمی خود روس و انگلیس خواهد ساخت، ترانوالیا و مراکوئیان که بریسان پوسیده آلمان بچاه رفته چه فایده حاصل کرده اند که ایرانیان بنایند و و از اخبارات روسیه چنان مستفاد می شود که انحصار کشتی رانی دریا چه ارومی که تخمیناً دو بیست کلومتر است دولت ایران به آلمان داده است و حال آنکه از قرار مسموع پسرهای مرحوم حاجی فتحعلی تاجر قزوینی که از بحار نمره اول تبریز میباشد انحصار کشتی رانی دریاچه ارومی را از دولت متبوعه خود گرفته اند شاید ما یکی از کپانی های آلمانی شرکت کرده و یا چند نفر آلمانی ها را بملازمت گرفته، و بر فرض هم که امتیاز خود را بکپانی آلمانی فروخته باشند این مسئله هیچ ربطی به ترك دوستی با روس ندارد روسها در سرحد مانع شده اسباب اشکال پیش آورده اند برای ورود آلات و ادوات ماشین و لوازم جہاز رانی و این حرکات روس بالا صاله از وحشیگریهای مأمون سرحدی است، و آخر هم جز ندامت بار نخواهد آورد و آنچه شدنی است خواهد شد

و نیز روزنامهجات روسیه می نویسند که یکی از بحار ترك که سابق رئیس یکی از کپانی های بزرگ عثمانی بوده در صوبه گلدوز حکومت یافته و عنقریب آن نواح سرحد عثمانی اعلان خواهد شد، این خبر را هم ما بهیچ وجه قابل تصدیق نمی ینداییم، باید منتظر تکذیب آن از مراکز موثقه شد،

(جلالتین کلک)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABIBUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤیدالاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

(۶ جلدی الاول ۱۳۲۸ هجری)

(مصادف با)

(۱۶ می ۱۹۱۰ میلادی)

و بلا حق اخذ اینه بدون قسم ندارند و تاملی که
(مفترکین و قبیض مخصوص سال هفدهم دست نیا دد)
(نمونه شان بره فتاحتہ کی شود)

(قیمت اشتراک)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیه — ۷ روپیه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۳ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

سنة ۱۳۱۱

الملتک

مراسلات مخصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراحت)

دخالت علی دولتین روس و انگلیس
(با بقای حکومت اعتدالیون)

(طمس) لندن بر حسب تلگرافی که از (پترسبرگ) یافته بشارت بهتری پیش آمد ایران را میدهد، و می نویسد «هرگاه واقعه تازه پیش نیاید تا چندی دیگر سردار و سپه دار بروی کار قائم خواهند بود» فرقه احرار سعی بودند در دادن بعضی امتیازات و پای دولت تالی را بیمان آوردن و با امتیازاتی به بعضی ایرانیانیکه مربوط به خارجه اند بدهاند تا آنها دولت تالی واگذار نمایند، سپه دار و سردار از اقداماتی که تولید مشکلات سیاسی نماید برعیز داشته و دارند و با مقاصد روس و انگلیس همراه میباشد و متعهد شده اند که هیچگاه از منافع حقوقیه و شفعیه روس و انگلیس غرض عین ننمایند، این بود که دولت روس و انگلیس هم در بر قراری حکومت سردارین به تمیز و تبدیلات ضروریه کابینه اتفاق کرده صراحتاً دخالت در عزل و نصب وزراء نموده و ملتینان را تهدید کردند که اگر خواهشات سردارین بر نیاید و بر حکومت مستقر نشوند و بجز حسب میل خود وزراء جرح و تعدیل نمایند دولتین روسی و انگلیس از همسرای و نصیحت دادن بدولت ایران يك دفعه کنار جوی اختیار خواهند کرد (بینی جهان در چنین خواهیم کرد)

و بواسطه همین دخالت بی جا که استقلال يك سلطنت آزادی را متزعزع مینماید، در پارلمان (مستر دیلن) از وزارت خارجه انگلیس پرسش می نمود «آیا در جرح و تعدیل وزرای ایران دخالتی از طرف دولتین شده و این دخالت بناحق از روی کدام قاعده بوده است» مارن وزارت خارجه انکار دخالت را علناً نتوانست نمود نهایت میگوید «دخالتی که درین موضوع شد از روی خیر خواهی بدولت ایران بوده است»

چون این میا هو ما باسم صنیع الدوله تمام شده در بد نام نمودن این وجود هم دقیقه فروگذار نمی نمایند، و بمجردیکه حکومت بر طبق میل دولتین برقرار آمد یاد داشتی را که هفته گذشته شرح دادیم رسماً بوزراء خود ساز پیش نمودند و تمام غرضشان پای بند نمودن دولت ایران به تسلیم حقوق آنها بر طبق معاهده، و سعی اند که هر قسم است يك نوشته ولو مذبذب باشد از وزارت حالیه دو سه این همراهی و خدمت بدست آورده که در آنیه بتوانند بمرکب آرزوی خود سوار شوند و مانع از حقوق استقلالیه ایران گردند هرکس بدقت در مضمون یاد داشت و تأکید می که فوری بدولت ایران پیش شده غور نماید خواهد دید که دولتین حقوق استقلالیه ایران را باطل و باطل خواسته، از يك

طرف دخالت در عزل و نصب وزرا (ایرانیان بدانند که اینگونه دخالت روس در بخارا و انگلیس در مصر و حیدرآباد دکن هم نمی نمایند و تا امروز ضربتی باین شدت با استقلال ایران وارد نیاروده بودند بلی شدت این ضربت بیشتر براسیبه خود آوردی اوست تاریخچه برای یک دولت مستقل چنین دخالتی را نشان نمیدهد) ، از طرف دیگر پیش کردن آن یادداشت و تأکید فوری در حصول جواب آن، از همه مهم تر آن که دولتین بجا آمدند که گفتگوی استقراض دوباره پیش آید و بهر وسیله ممکن شود مجدداً جلب حکومت حاضر را به تجدید مخاربات استقراض نماید

ما عامه ملت خاصه وکلای شوای ملی را متوجه باین نکات میداریم. اول مذاقه در عدم تجدید مخاربات استقراض با روس و انگلیس . دوم هر شکل و طریق بدانند ود دخالت دولتین را در امور وزارت و حکومت نه نمایند. سوم مذاقه در جواب یادداشت جدیدیکه دولتین بدولت ایران پیش نموده اند ، چه به یک سرو لفظی که از ما صادر شود ممکن است آیتده وطن را دچار خطرات عظیم سازیم در مقابل این دخالتهای بیخ و تجاوزات علنی محقوق استقلالیه ایران برای اسكات ملت اشاعه میدهند که عنقریب دولت روس قشوف خود را از قزوین خارج خواهد نمود

عقیده ما این است که در این پیش آمدها اگرچه دولتین اظهار همراهی با سردارین نموده و حکومت اعتدالیون را قوت داده برقرار داشتند ولی در باص بالاترین عداوت و اسببت بسردارین ابراز دادند. چه محبوب ترین نفوس ایرانیه نزد هم ایرانی سبهدار اعظم و سردار اسد بوده هستند و این دو وجود محترم را سرمایه افتخارات ملی و مؤسس این اساس سعادت و نیک بختی دانسته و میدانند ، مسلم است همین که بزور روس و انگلیس در وزارت باقی ماندند و تا این درجه دولتین از ایشان حایه علنی کنند خواه نخواه خلل در محبوب القلوب ایشان می اوتد و طبعاً قوت و اقتدار آنها که به پشت گری عموم ملت بود کم بلکه رفته رفته زائل میگردد. خصوصاً با آن اعلامات اولیه که داده اند بر اینکه دولت جدید مانع از اخراج قشوف روس میباشد و امثال آن

۱. نکته ۱. ما بدالست که مقام سبهدار اعظم

و سردار اسد در قلوب ایرانیان بقدری رفیع و خدمات آنان بقدری منیع است که وزارت و عدم وزارت از مقام آنان نمی کامیونی افزاید در صورتیکه صلاح روی کار بود لثان هم بود ابداناسب و شایسته مقامشان نمیدانیم که بزور روس و انگلیس بوزارت برقرار مانده. این واقعه قلوب ملت را از ایشان رفته رفته میرماند و عقیده ملت را در حق آنها دوفرقه می سازد ما امیدواریم که سردارین رفع این بد نای تاریخی که بهتان عظیمی باید گشت از خود نمایند ، خیر خواهان ایشان هرگز رضا نمیدهند که تکیه بروس و انگلیس کرده بایستند و ما بزرگترین شکست را برای آن دو سردار بزرگ اینگونه اشتهاات که تا درجه نیم رسی است می بنداریم

این نکته را هم ناگفته نمیگذاریم که طالبان میدانند در ملاقات ریوالانهدام مجلس مقدس فیصل یافت و از آن بعد هم تا سلعت آخر دولتین از از همراهی و حایه محمد علی کوتاهی نکردند. هر چه محمد علی اهالی را از روس ترسانید تجارت ملت بر او پیش شد و هر قدر اسباب مزید دخالت خارجه گردید میدان را بر خویشن تنک تر ساخته باشد آنچه شدنی بود. پس حایه خارجه در مقابل نفرت داخله برای هیچ پادشاه . هیچ وزیر در هیچ نقطه نافع واقع نگردیده و نتواند کردید

ما هرگز مائل نمیشیم که نام سر برسی و حایه روس و انگلیس بروی سردارین و هیئت کابینه وزراء گذارده آید ، دو تیرگی وزرا و وکلا در صورتی مطلوب است که هیچ یک یارتی دول همجواری و رقابای سیاسی مملکت واقع نگردند. ورنه آن دو تیرگی برای مملکت سم قاتل است

ما هرگز رضا نتوانیم داد که فرقه احرار یا اعتدالیون یارتی روس و انگلیس یا عثمانی و آلمان شوند. ما این نوبتیرگی را وقتی مانع بحال ایران تصور توانیم نمود سکه فقط مسلکنا را استقلال وطن قرار دهلد. این مملکت که وزرای ما زور سخرای سخر و تعدیل شوند و یک فرقه با تصرفات حقوق شکنانه دشمنان بروی کار مانند ابداً نمی بحال ملت و دولت نخواهد داشت.

ما از حضرتین سبهدار اعظم و سردار اسد خواهش می نمایم که با اسرع وقت این گونه غلط فحی را از طالبان دور نمایند و بگذارند اینگونه اشتهاات شرورانه بیکباری از بین برود

و این نظم نیک تلویحی که بصرف اسمها خزینه برای
 حساسی حاصل نمی شود تبدیل به مدای گردد ما
 هنوز هم برای میبیم که حضرات ناصر الملک - سپهبد
 اعظم - سردار احمد - ستار خان و باقر خان
 حافظ استقلال ایران باشند و بشکل خاصی خویشتر
 را معرفی نمایند . و این قوت مضوی باید سرپرست
 هر دو تیره احرار و اعتدالیون قرار گیرد و باری
 مخصوص شناخته نشود و در شکست اعتدالیون مسلم
 و تبدیل وزرای کنونی قطعی است ، نهایت امروز
 نه فردا این ماه نه ماه آینده ، و حایه روس و
 انگلیس باین کابینه جدید علاوه بر ایسکه شکست و
 توهم سپهبد و سردار است مرید نفرت ملت ار
 اعتدالیون و قوت احرار در مقابل آنها گشته
 شکست این کابینه را نزدیک تر می سازد
 در عموم جراید فرانک شهرت یافته که قشون
 بیگانه را حکومت تازه برای حفظ مقام خود در
 ایران نگاهداشته ، و ایسکه که آلمان در ایران بای
 خود نمائی را نهاده خواه مخوام قشون روس خارج
 می شود ، چه بدترین روز سپاه روس عنقریب
 در (فنلند) خواهد رسید و در سرحد کوریا هم
 روسیان با ژاپون عالی خوش مدارد ، وزارت خارجه
 روس که بتازگی در بران رفته بود حصوراً بوزارت
 خارجه آلمان وعده مربع داده که بزودی قشون
 خود را از ایران بکشد ، این افواهاست راست یا
 دروغ طبعاً ملت ایران را مایل به بلبک آلمان
 نموده و نباید چنان تصور کرد که این دو تیره گی
 منحصر بطهران است ، امروز تمام ایران را دو تیره
 باید دانست و اگر این دو تیره سابقاً هموزن
 بودند ازین وجه هموزن نخواهند بود ، چه دانستند
 روس و انگلیس های حکومت اعتدالیون میباشند ، و نظر
 بسدمائیکه از دولین دیده و فزنیکه از آنها دارند
 خاصه در ماده استقراض که دانستند تمام همشان در
 نحو استقلال ایران است ازین جهت ضررت از
 حکومت اعتدالیون هم پیدا کرده و خیلی زود در
 جیب ایران از سودظنی که از حایه روس و انگلیس
 بکومت تازه تولید شده احرار را قوت خواهند
 داد و اعتدالیون را از حکومت خواهند انداخت
 و این با حکومتی نخواهد بود که سرانین قبل از

و بسر برستی این دو تیره نامزد و هر زمان هر
 حکومتی را که صلاح دانند اعم از اعتدالیون و احرار
 بروی کار آوند ، ما میخواستیم این دو وجود محترم
 باریگر باشند نه باری . حکومت تراش باشند نه حاکم
 ایران طرف معاهده روس و انگلیس نیست
 مجلس شورای ملی در دوره اولیه و وزارت
 خارجه ایران همان وقت که دولین روس و انگلیس
 سواد معاهده خویش را پیش نموده رسماً خود را
 طرف با آن معاهده ندانسته جواب داد که ایران
 بحسب استقلالی که دارد خود را طرف این عهدنامه
 ندانسته بای بند بمواد آت نتواند بود ، همین قسم
 اند سایر دول که قانوناً و رسماً خویشتر را بای بند
 بمعاهده که باین روس و انگلیس شده قرار نمیدهند
 چنانچه همان ایام معاهده دولین اشاعت یافت
 جرائد دول سیره تمام عدم طرفیت خودشان را باین
 معاهده اظهار داشتند ، و امروز هم جرائد آلمان
 به آواز بلند این ندا را در داده در جواب آنان
 صدا از روس و انگلیس بیرون نمی آید ، فقط این
 یک معاهده است باین روس و انگلیس که خویشتر
 را در اقدامات سیاسی در علیه بکدیگر آمهم در
 جنوب و شمال ایران محدود و پابست کردند ، و
 این نکته ایست که هیچوجه احدی را قابل الاسکار
 نبوده و نیست
 بی سی دولین از چهار سال باین طرف این
 بوده وهست ، که بذرایع ووسائل دیگر بلکه نتوانند
 ایران را بای بند بمعاهده خویش نمایند ، و این امر
 با مشروطیت ایران و بیداری ایرانیان حز بوسیله
 استقراض و گنجاندن مقاصد خود را در شروط آن
 غیر ممکن دیده ، ازین است که از اواخر مظفرالدین
 شاه تا کنون دولین در ریختن یک استقراض
 بخلق ایران دقیقه فرو گذار نکردند ، شروطی را
 هم که برای این استقراض پیش نموده که (ابداً و بطی
 بمنافع اقتصادی نداشت و با هر گونه اظهار دوستی
 منافی بود تا جائیکه دولت انگلیس شرم می کرد افشای
 آن شروط را به نماید) تمام مبنی بر بای بند کردن
 دولت ایران بمواد عهد نامه خودشان بوده و هرگاه
 دو شرط استقراض که باین پیش شده شور شود
 جز قبول اندک مواد عهد نامه خود توشیح امر

دولتین روس و انگلیس تا امروز آنچه در قوه داشته کوشش در قبولاندن معاهده خود بایران نموده و باز هم خواهند نمود، الحاق ایراییم تا کنون کمال مجاهده را در عدم قبول آن کرده و مقضی المرام هم نده اند، ولی باید دانست که هنوز دولتین از خیال قبولاندن معاهده خود باز نایستاده و سعی نماند که بذریعه دستهای داخلی دوباره مسئله استقراض را موضوع بحث قرار داده شاید این صید و میده را بدام تواند آورد

حال که مسلم گردید ایرانیان با معاهده روس و انگلیس طرف نمیباشند بر هر فرد ایرانی لازم است که عدم طرف بودن خود را با آن معاهده دانسته سی باید که به تدابیر سیاسی در آینده هم طرفیت در آن معاهده پیدا نه کند

این گونه معاهدات بین دول بیدار شده و همینکه نتوانستند اثری بر آن مرتب سازد خود بخود دست از هم برداشته معطل بلکه مهمل مانده است هرگاه چندی دیگر ایرانیان سی نموده مواد این معاهده را در وطن خود مهمل گذارند طبعاً این معاهده سست خواهد گردید، باید دانست که این معاهد دارای ارکان اربعه بود. اول ایران، دوم مقدونیا و بالکان، سوم تبت، چهارم افغان - مقدونیا از مشروطیت عثمانی و بالکان از تهدید سیاسی آلمان بروس و تبت از بیداری دولت چین و افغانستان از سکوت عمیق اعلیحضرت امیر عاقل و باطل ماند، فقط این معاهده بابت رکن یوسیده که آنهم عبارت تحدید منطقه نفوذ خودشان است در جنوب و شمال ایران برجای مانده هرگاه چندی دیگر ایراییم استقامت ورزیده خود را طرف آت معاهده قرار بدهند کلیه این معاهده کان لم یکن میگردد

علاوه بر این ایرانیان راست که عملاً هم در اجتناب مواد معاهده دولتین بکوشند و آن منحصر درین است که برخی کارها ولو حزئی باشد یکسایه های خارجه داده شود مثل کارخانه آهنگری یا گاری سازی یا آرد بیزی یا اتومبیل رانی یا امثال آن در تبریز و خراسان و سیستان و کرمان و کرمانشاهان و غیره، و بیش از بیش باید نگران حرکات و سکنات این دو همسایه و رعایا و کپانیهای آنها شویم، و در هر قدم که آنها آغاز فریادتی نمایند در همان قدم اول جلوگیری از آنها

به نمایند، و هرگاه در امری برخلاف مقاصد ملی ما حرکت نموده و بملاحظیات و موانع نتوانیم جلوگیری از آنها به نیایم باید در مواد دیگر پیش از موقع مقتضی آنها را تعقیب نموده و باشارات سیاسی باید بانها حالی کرد که این شدت در مقابل فلان سکوت و نرمی بود

تا وقتی که ما عملاً معاهده دولتین را باطل و باطل نمازیم همچگونه رعایت و حق تازه نبساید برای آنها منظور داریم، چه مسلم است هر رعایتی در حق آنان شود در منطقه نفوذ خود شائب خواهد بود و آن رعایت طبعاً قوت معاهده آنها را پیش خواهد ساخت

تقصیده دانایات اگر دولتین روس و انگلیس بدون شروط بلکه بلاسود قرض بایران دهند باز هم مضر سیاست و محل به استقلال ایران است

ایرانیان آگاه باشند که همسایگان مهربان بهر وسیله سعی اند که تیر از شست رها شده را باز گرداند، یعنی دوباره مسئله استقراض را در میان آرند و اگر ایرانیان بسختی تو خالی دل خوش کن فریب نخورده، به تهدیدات سیاسی و فشار های پلنکی تثبیت خواهند جست، مانند یاد داشت و تاکیدی که بتازگی بدولت ایران پیش نموده اند، ولی باید دانست که در عوالم سیاست اینگونه تهدیدات بی مغز دارای هیچ اثر و اهمیتی نمیباشد البته اگر طرف ناشی و از میدان بدر رفت تشری زده و نفی برده اند و هرگاه زمین را سخت دیده و از روی قاعده جواب شنیدند کلیه (شتر دیدی نه) را از دست نه میدهند، چقدر این گونه تهدیدات در مسئله مقدونیا به عثمانی و در قبضه تبت بچین کردند، چوٹ زمین را سخت دیده در حقیقت خود شان فراموش نمودند

غرض این است که دست های داخلی روس و انگلیس درین موقع نازک، ما ایرانیان پلنیک ما شناس را گول نزده مرعوب نمازند

امروز دولتین روس و انگلیس بانحاد و دوستی ایرانیان محتاج تر اند نسبت ایرانیان با آنها، در هر مسئله اگر ایرانیان مرعوب نشوند و سر طاعت خم نمایند باچار آنها تسلیم نخواهد بود زمین را خواهند گرفت

قتل از روز نامه شریفه استقلال
 وظیفه حالیه هر ایرانی چیست ؟
 (ناله وا هرچند می‌خواهم که پنهان بروم)
 (سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن)
 انسان هر قدر می‌خواهد خود داری کند دامن
 صبر و شکیبایی را از دست ندهد. خونی و سکوت
 اختیار نماید. قلم از تحریر زبان از تقریر باز دارد.
 اسرار نهفته را فاش و رازهای نهفته را آشکار
 سازد. وطن و ابناء وطن را بحال خود گذاشته
 پی کار خود رود. باز حس وطن پرستی و آمر
 وجدانی بایک حاکمیت مطلقه و آمریت فوریه فریاد
 کرده سلامیزد دزینهار (حب الوطن من الایمان)
 آستین بالا زید، قدم در میان گذارید، اب برهنائی
 گشاید. قلم بردارید که هنگام گفتن است نه گاه
 خفتن، دم فرو بستن بوقت گفتن تیره عقل است و
 خلاف نقل. و نفس ناطقه را زنده زنده بگور کردن
 گناه عظیم .
 پس کنون که امکان گفتار هست بگو و طریق
 سعادت بگو تا فردای داخل در تسبیح امن نشوی
 و باز خواست و ستوال (بای دسب قنلت) نباشی.
 ایران ای پشته شیران و کبیر گاه دایران ، آیا بوی
 سیلابهای خون جهنگهای محامشی هنوز در هوای
 تو منتشر نیست ؟ آیا خاک تو هنوز از رنگ دماء
 جوانهای عبور دوره ساسانیان گلگون نمی‌باشد ؟ سر
 من دور می‌زند، چشم‌های من جز رنگ سرخی نمی‌بیند،
 خون پدران عبور من دور و رقم به نندی برق حرکت
 نمیکند، و مشام از بوی خون برآست، چرا ؛ زیرا که
 فرزندان تو را . . . خارجی تهدید میکنند. و اولاد
 تو دامن پاک مادر و مقبره اجداد و خون‌های
 پدران خود را در خطر نزدیک مشاهده مینمایند ،
 تو با اندوه و یأس سر بزانی بی کسی گذاشته
 و با چشم نا امید در پسران شجاع خود نظر
 میکنی. زیرا که بغیرت و شجاعت و عصمت پرستی و
 جوان مردی و حمیت مندی آمان مطمئن نییاشی !
 نه ، نه ، ای مادر محبوب، سر بردار هنوز غریب
 نیستی ، هنوز بی معین نمانده ، هنوز ده کرور از
 فرزندان دایوش اول محامشی و سران شاه عباس
 کبیر صفوی و اولاد ناصر افشاری در آغوش مادری
 داری، هنوز خونهای معاصرین آقا محمد شاه در شریانین

ما جاری است. و هنوز احساسات مردان دوره
 اشکابیان در اعصاب ما متکین میباشد ،
 آه ایران ، ایران ، ای منشأ عبوران بر خیز
 و بین که دل‌های ما چسان در سینه می‌طبد، بین که
 چطور خونهای ما از تنگی مجاری خود غلبان می‌کند
 و بین که سینه‌های ما برای نفس و ابدان ما برآید
 ارواح تنگ گردیده ، چرا ؛ زیرا که چشم‌های
 خون آلود پدران خود را که بر ما خیره می‌نگرند
 می‌بینیم و ملامت‌های آنان را در حفظ وطن یعنی
 خون‌های اجداد خویش می‌شنویم ،
 هان هوطنان گرامی، الیوم تکلیف ما چه چیز
 است ؟ ای زادگان ایرانی امروزه وظیفه ما ایرانیان
 چیست ؟ بی امروز اهم ترین و طایف و ضرورتین
 تکالیف تهیه بول است و پس ،

پس بنا بر این اولین قدم که باید برداشته شود
 و نخستین همت که از ابناء وطن بروز کنند این است
 این وجه مختصر را بهر وسیله که ممکن است تحصیل
 نمایند ، امروز این بول جزئی فوری را که برای
 اصلاح امروزی خیلی اهمیت دارد، البته باید فرزندان
 ایران بدهند ، بدیهی است که امروز تمام انظار ملل
 دنیا متوجه ایران و ایرانیان است ، منتظرند که
 نتیجه این انقلابات بزرگ و فایده مجاهدت عامه
 مجاهدین در ایران چه خواهد بود، این همه اتلاف
 نفوس و نهب اموال و هتک اعراض و نوامیس
 برای استقلال این خاک و اصلاح امورات چه اثر
 خواهد بخشید، و جانبازی جانبازان و فدا کاریه
 فدائیان در این آب و خاک چه نمر خواهد داد؟
 پس مسئله استقراض برای ما ایرانیان یک امتحان
 جزئی است که اولاد رشید ایران در این موقع باریک
 اهمیت وقت را بنظر گرفته امتحانات وطن پرستی
 خودشان را در پیشگاه مقدس وطن خواهند داد ، و
 در انظار عموم ملل شرمسار نشده سرافراز و مفتخر
 خواهند شد، و نام ابدی خودشان را در جراید
 عالم ثبت و در تاریخ روزگار ضبط خواهند نمود،

(گر نیاید بگوش و غیبت کس)

(بر رسولان پیام باشد و بس)

همی باید کرد

امروزه ملل عالم متفق الکلمه می‌گویند که قطعه
 آسیا در یک موقع تاریخی از کره خاک واقع شده

بخصوص وطن ما ایران که از حیث آب و هوا و ذکات و فضائل جلی سکنه آنرا بر سایرین ترجیح میدهند و هماره در کین گوشه ها دام تدویر برای ما گسترده اند که این طعمه لذیذ را از دست ما برابند منتظر وقت و منتهز فرصت اند که بطهور یک اختلال داخلی شالوده مملکت ما را متزلزل و اساس قومیت مان را منهدم نمایند. آن است که هر روزه بسپاه گاهی باسم امیدیت و زمانی بحفظ تبعه قدم بر سینه وطن مقدس مان میگذارد و رخته بر بیان ارکان ما میزند. یکی از سیاسیون میگوید وقتیکه یک دولت باسم تمدن به مملکتی وارد شد اول دم از مهربانی میزند، وقتیکه کار استوار کرد کم کم بامورات داخلی سرکشی می نماید. زمانی سپری نشود میهای متمدن صاحب خانه و صاحب راه بیگانه کردند. چنانچه انگلیس در مصر و هوند در ژاوه و وو ... پس مقصود این است که ما ملت زدگان و یحبران اندکی چشم عقل بکشایم و گوش هوش فرا داریم و وطن خود را بشناسیم، و آنچه که در حق وطن موطنیم مجرا داریم و ما یک حبش ملی و التسلب درونی بر عالمان نابت نایم که هنوز خون ایرانیت در اعصاب و عروق ما منجمد شده که بیگانگان و اضمحلال ما همت کارید و مملکت ما را از دست مان بگیرند هنوز خون جوانان که در استقلال وطن ریخته شده خشک نگردیده، هنوز آنهمه عارت و هتک اعراض و توامیس که در راه آزادی روی داده از خواطر ما فراموش شده که رایگان مملکت خود را به بیگانگان تسلیم کنیم. هنوز میدانیم که جوانان خود را در مهلکه مهلکه بینداختند مگر اینکه اولاد این خاک پاک گرفتار نهلکه اضمحلال نشود، هنوز نمیدانیم آن نفوس کثیره در دریای خون عوطه ور شدند مگر ایسکه کشتی ملیت ما دوجار چهار موچه اعراض نگردد، پس ما راست که سعادت خود مان و آتیه اخلاف جان را مد نظر داشته یک حقیقت کنیم و عبرتی بسزا نموده بسرعت هر چه تمام استعراض داخلی را ادا نایم و با آواز بلند باولبای امور عرضه بداریم که در راه استقلال مملکت و حفظ قومیت و کسب شرافت مال و منال سهل است

(سر و جان را نشان گننت که مقداری هست)

آن وقت قایز مقامات عالیه و مالک حیات ابدی میشوند و الا باین حالت عالیه و اوضاع حاضره در آتیه بیک حالت اسف انگیز و محنت خیز دچار خواهیم شد و آن قدم تاریخ که ابا عن جد در صفحه روزگار بسادگار گذاشته ایم پیرده بی همتی پوشیده تواریخ دنیا ما را به بی حین و بیخبری یاد خواهد کرد (هاشم الحسینی)

بیان نامه ایست که از جانب هیئت کارگران (کردستان بصوم فرزندان ایران ابلاغ میشود) نظر بتأم و تأثر قلوب مقدسه رؤسای روحانی از طول توقف جبارانه قشون اجاب در خاک پاک وطن و احکام صادره آن زرگواران بر تعطیل عید ملی که علامت کدورت و ملات هموم ملت است عرق اسلامیت و ریشه حیت ایرانیت بلرزه در آورده. هیئت کارگران محض توثیق قلوب مطهشته رادراش ایرانی در دفاع از دین و وطن مقدس سام نهت اسلامی خود را بشر این بیان نامه مکلف می دانند، و ضمناً از حرارت عبرتی که در عرق وجدان و زوایای قلب اولاد ایران سراغ استمداد نموده اقدامات واقیه هم در راه را آرزو مند است.

جلسه چهل و سوم پارلمان که قلم عصر جدید با یک خط طلائی جالب توجهی در صفحات تاریخ شش هزار ساله ایران ثبت نمود، و در نتیجه وکلای ترقی خواه عدم اعتماد خود را نسبت بوزارت خارجه اعلان دادند، امیدواری کامل بخشید که وکلای کار آگاه و وزیرای ملت خواه ما با یک فعالیت دشمن شکنی و یک جدیدیت استقلال بخشی حاضرند. کشتی سعادت مملکت را بساحل نجات رسانند، و وطن گلگون کن ما را از دست دشمنان دوست نما آسوده نمایند، بلکه دعای استقلال مملکت شن هرار ساله را بر اساس محکم سوار کنند.

ولی انوس آن هیجانهای ملی و جنبشهای غم خوارانه را تا حال فقط بانفصال وزارت خارجه نهایت داده و صدای اظهارات وکلای صدیق ما که هنوز در فضای پارلمان می پیچد از دائره تصور یک قدم نجات فعلیت تجاوز نموده، چنانچه باز بد محتانه می بینیم قشون خارجه که علاوه فانی اتصال وزارت خارجه برده با یک هیئت سعادت طلبان

ایک وطن مقدس، ما را زیر پرچم ستروانی خود گرفته
 در کار لگد کوبی کرده است، و اولیای دولت
 بواسطه ملاحظات دقیقه در اطراف وجوایب مسئله
 با یک سکوت حیرت آمیزی خیره خیره نگریسته
 امرار وقت می فرمایند، ما وجود این ترتیبات هولناک
 و مقدمات استدلالی، آیا باز می توانیم مطمئن شویم
 که قشون دشمن ما را آسوده خواهد گذاشت؟
 آیا دیگر هیچ ایرانی وطن پرستی تاب سکوتی را
 که موهم میسی است در قوه خود سراغ دارد؟
 آیا موقع آن نیست که دست ناشکیبائی را بحساب
 گریبان جامه صبوری دراز کرده تا بدامن پاره کنیم
 و شروع در اجرای وظایف اسلامیت نمائیم؟ آیا
 هنگام آن نرسیده که بجای پیراهن سینه عملوا زحبه وطن
 را صد چاک کنیم؟ آیا هیچ مسلمان اسلام پرست
 راضی می شود که دست اجنبی را بسوی ناموس
 برادران اسلامی بازیده بندد؟ اگر چنانچه تاکنون
 مساعله گذشته همینطور بگذرد، آیا مطمئن هستیم
 که خود را صاحب دین و وطن بدانیم؟ حاشا وکلا.
 زیرا سهل انگاری و برد باری ما بوجسارت دشمن
 صد مقابل افزوده، و مثل آنست که بدست خود
 اختیارات بشریت از خود سلب نموده و بدشمنان
 دینی و ملی و جانی تسلیم کرده باشیم، ایست با
 یک شرعی که در ادای آن مجرای حلقوم منخروج
 زبان فرصت نداده فریاد میزیم، امروز که دوره
 عدالت و عهد تمدن طلعی است با این جسارت
 تحمل نکردن بیگانه در حانه ما چه می کند و این
 مهانان میزبان آزارچه وقت تجاوزات تمدن سنگین کن
 خود انتهای خواهند داد، و چه موقع عالم تمدن
 خواهد فهمید که در دوره آسایش بشری جامعه
 عصمت ملتی که حسن لذائذ اسانیت کرده، دست
 خوش اجامر اجاب گشته لطمه با آزادی دنیا وارد
 خواهد آورد، واقصاً چه مصیبتی بالاتر از این است
 در موقع تجدید عید ملی تمام اولاد ایران در کنج
 سوگواری نشسته ازین ترتیبات ناملازم مرگ را بر
 زندگانی ترجیح دهد و ترک مراسم ملیت خود گفته
 در این موقع سرور ابداً آثار بشاشت و مسرت از
 وجهات اهللی مشهود نگردد، اینک با یک صوت
 رسا برادران وطنی را بیدار می نمائیم و از حیت
 ولایات فرزندان وطن استغناء می کنیم، غفلت

بس است بی حسی درجه دارد، از امروز به بعد
 تشییات خارجی سودی نخواهد بخشید، کسی بداد
 نضرع و ابتیغال امروز ما نمیرسد، ما باید بنیرت
 ملیت خود پناه ببریم، ما باید بحقیقت اسلامیت
 عارض شویم، ما باید بقوت حیت و اتحاد مضوی
 تثبیت کنیم، ما باید از هر طرف مجلس مقدس که
 یگانه کعبه مقصود و حافظ و حارس استقلال مملکت
 است اعتراض و برتسهای آتشین ابلاغ داریم، ما
 باید فرجه نفس کشیدن بوکلائی و وزراء نداده در
 کمال جدیت اخراج دشمنان دوست کداز را در
 خواست نمائیم، اگر تا کنون ملاحظات ملیت ما را
 بسکوت از شاعت افعال شقاوت کارانه قشون اجنبی
 محکوم میداشت، حالا تکالیف مذهبی و شاعر اسلامی
 با اقداماتی دیگر ما را هدایت و ارشاد می کند، ما
 باید در هر نقطه که هستیم مجلس مذس را فشار
 داده آخرین وسیله استخلاص وطن را مطالبه نمائیم،
 دیگر امروز سرها ببدان سنگینی می کند، خونها در
 عروق برای ریختن جوش میزند، امروز روزیست
 کریمه (از الله بحبالدین یقاتلون فی سبیلہ صفاً کانهم
 بیان مرصوص) مزایای جهاد را خاطر نشانی
 مسلمانهای قرن بیستم می دارد، امروز وقت ربودن
 گوی سبقت نصیلت است که (فصل الله المجاهدین
 علی القاعدین) مبین آن است، و کار دفاع منحصراً
 بمسلح شدن در میدات مبارزه نخواهد بود،
 بلکه انجام دادش این فریضه حتی الوقوع
 میتواند بشکلهای متفاوت جلوه گر شود هیچ مجاهده
 بهتر ازین نخواهد بود که احکام صادره از مقامات
 تقنینیه را با کمال میل قلبی اطاعت کنیم، هیچ
 مجاهده را اصلاح و اسلم از آت نخواهد بود،
 که بدوام معدوده دارای بوسف مقصود یعنی دین
 و مذهب و ناموس و عظمت و و عن خود باشیم،
 اینک هیئت کارگران با یک التهاب درونی و یک
 حدت فداکاری مراقب و مواظب مجاهدات جدیه
 برادران اسلام پرست وطن خواه ایرانی می باشد
 و از وجدان ایرانیان مقیم خارجه و داخله متوقع
 است که با هیئت درایموقع مشکل شرکت و همدردی
 نموده اقدامات جاریه خود را محض پشت گرمی
 این برادران در طام اخوت اطلاع دهند،

▶ لایحه جناب منیر اتولیه از کربلا

بر هر صاحب وجدانی مدلل و هر ذی حسی و ابرهن است که مراتب علو انسانی منوط ب فکر و عوامل ترقی مربوط بسی است و از آنجا که افکار محرك ارادات شخصیه است فکر از مبادی اساسیه انسانست

همچنان نباید از نظر دور کرد که تنویر افکار یکی از مطالبات است که با کمال سرعت فکر را در شامراه ترقی حرکت میدهد. اگر رجوع بیده افعال و منشأ اقوالمان بکنیم خواهیم دید فکر است که گاهی از مخارج دهن تشکیل صدایه منتظمی و گاهی ب حرکت اعضای بدن تجسم حالت معینی را میکند. فکر بجه ایست که هر طور تربیت شد همان طور جوان بلکه پیر بلکه بگور میرود. فکر قوه ایست که اساس اغلب قوای قوی میباشد. کذلک نباید فراموش کرد که همچنانیکه بدیهات حاصل است از برای فکر ولو بالتفات در نظریات محتاج رهبر است. این رهبر ناچار یا سعادت و شقاوت روحانیت یا سعادت و شقاوت جسمانیت. شکی نیست که سعادت روحانی بهترین رهبر است لعل اینکه جسم از منطقات روح است ناچار روزی این سعادت روحانی بحجم یکخلوات دائمی و یک تیرینی سرمدی میرساند. همین جهت است که روحانین تقدم سعادت روح را بر هر چیزی واجب کرده اند و متابعت آنها اولین چیز است که تہذیب اخلاق طارا متکفل است. نمیشود مگر عوامل روح شد برای ایست که اخلاق و حواس متوقف بر او است. اما روح فاسد چشم دارد نمی بیند گوش دارد نمیشنود حس دارد نمی فهمد. شبه نیست که روح مستند فکر نظری و فکر اساس و محور افعال و اقوال است. فکر است که تنبیح افعال و تمجید اعمال میکند و او را در خارج صورت طاهری میدهد. فکر است که هر چه عالی تر باشد مقاصد صاحبش را زود تر بانجام میرساند. فکر است که از تصادمش برق حقیقت میجهد. همچنانیکه حیات آتیه موقوف به یک فکر نورانیست بهترین اساس اتحاد است که نمراتش را تاریخ از برای ما واضح میکند. اگر اندکی عطف نظر بتاریخ کنیم خواهیم دید که نتیجه هر فکری که شرف و افتخار بود واسطه اش اتحاد است.

اگرچه نمیشود گفت که هر اتحادی در مذهب تمدن محمود و هر اتفاتی بچشم حقیقت محمود است. چیزیکه بدون معارض میتوان اثبات کرد نمرات اتحاد است. اتحاد دو درختی است که در هر جانی میز بشود نمر میدهد اگرچه در مرکز جهل باشد. اتحاد میوه ایست که هر قومی او را چید بزرگ و شریف میشود. اتحاد نغمی است که در دل هر ملتی کاشته شد ملک حاکمیت میشود. اتحاد مرکز جمیع قوی و قطب تمام سامی است اتحاد منشأ اقتدار و مبداء افتخار است. اتحاد است. که دولت آلمان را با جهل و همت ملیون نفوس در چشم هزار و چهار صد و بیجا و سه ملیون نفوس بشر بزرگ میکند. اتحاد است که موازنه اروپایه را نگه میدارد اتحاد است که مثل ناپلئون شخص اول را در جزیره هولاند که در جنوب اوقیانوس اطلسیکی در سنه ۱۸۱۵ مانند یک شخصی مقصر محبوس میکند. اتحاد است که هیچ شمشیری از او جلوگیری نمیکند. اتحاد است که صدایش بمراتب از طولهای ماکزیم اروپا بلند تر است اتحاد است که اثرش در گوش عالم تمدن بر احوال از تفنگهای موزدرساتر است. اتحاد است که سائشش یک فکرت سلیم محبوبیت. اتحاد نوربست که هدایت میکند بسوی صراط ترقی. اتحاد جان تمدن و مشکل حس نوع برستی است. اتحاد است که در حوالی سنه ۱۰۹۹ (م) در زیر یک صلیب که تشکیل امواج خونهای بیگناه را میداد بروس یکدشمن انسانیت و هوایه نفس یک کشیش دیبا طلبی داخل در فلسطین و قدس میشود و از آنجا بکنور تمدنرا در اروپا ممکن می سازد اتحاد است که در سنه ۱۴۴۹ میلادی مثل شارل اول پادشاهیرا به پای سیاستگاه میرساند اتحاد است که در سنه ۱۷۷۶ (م) که ملق مثل دول متحده امریکا از زیر بار حکومت دولتی مثل برطانیای عظمی بیرون میکند. اتحاد است که دولت مونشکرو را با ۹ هزار کیلومتر مساحت زمین و ۳ هزار نفوس در سنه ۱۸۷۸ در اروپا استقلال میدهد. اتحاد است که مثل عبدالحمیدپرا با آت اقتدار و مکنت مانند جلاد مقصری در قصر لاتیفی در سنه ۱۹۰۹ محبوس میکند اتحاد است که در سنه ۱۹۰۹ با ۲۰۰ نفر بختیاری و ۲۰۰ نفر رشقی

و چند مجاهد فتقازى حیات يك ملت و استقلال يك دولتی را مستحکم میکنند . نمرات اتحاد بحد و اثرات بصر است (اگر بگویم جا دارد) اتحاد اساس دین مبین احدی و از شرایط اسلام است . بدیهی است که هیچ چیزی بهتر از اتحاد از برای اسلام نیست ما میتوانیم که بادلۀ شرعی و عقلیه ثابت کنیم که از ضروریات مذهب ما بلکه از اوکات دیانت ما اتحاد است .

ای برادران دینی که در روی کرۀ زمین متناثر شده اید چرا ضروریات مذهب خود را فراموش کردید تا یکی در مهل استراحت تنهای خود را پروریده و در گوشۀ ذلت خزیده اید . برخیزید که قصدی جز نتیجۀ جنگهای صلیبه را اروپا برای شما ندارد . آخر مگر نه شما حس دارید ، بیدار شوید ، يك گوشه نظری بسمت مراکش کنید که چگونه هر روز بدست یکموت آدم نهای وحشی گرفتار و هر روز حیات استقلال خود را از روی جهل و نادانی در میان خود تهدید میکنند . يك گوشۀ نظری به بخارا کنید چگونه نیشه برشته خود میزنند ، يك التئانی با اعراب کنید چگونه دائماً در نگر تمام کردن همدیگر هستند ، یکمترتی از حرکات قانون شکنانۀ دو دولت همسایۀ ایران کنید ، ای بچاره مردم یکجوشی بسوی تاریخ عثمانی بیندازید ، ای راحت طلبان يك نگاهی بحركات وحشیانۀ روس در قفقاز کنید ، ای آسودگی خواهان یک لحظه تفکر بحال سایر مسلمین شرق کنید ، ای عبرت مندان يك مجلی از احوالات اندلس به بینید ، ای تن پروان با صدای بلند بگوش تمام شما میرسانم که امروز ما را اتحادی واجب است ، اتحادیکه داخل در رسمیات نباشد ، اتحادیکه خیالات متعصبانۀ وحشیانۀ صلب نباشد ، اتحادیکه دشمنی بانسایت نکرده باشیم ، اتحادیکه غرضان جز احقاق حقوق ملتی چیزی دیگر نباشد ، اتحادیکه مقصدمان که موازنۀ عالم است چیز دیگر نباشد . کسی از اینطور اتحاد جلوگیری نمیکند و نمیتواند بکند ، در صورتیکه اتحاد را موجود کردیم از طوابعی کر و ب اروپا بی نداریم ، نقاط مهمۀ اسلام را مرکز این اتحاد قرار بدهیم ، روحانیان خود را شاهد بر این اتحاد بدانیم

با يك قوه مسیج نائی دستگیری از مظلومین و گناهان ، باید که نماندی حقوق مسلمانان هند

محافظه کنیم . با يك عزم ثابتی حرکات نصاری و در مراکش تقبیح کنیم ، با يك اقدام مجدانه روس را از ایران بیرونی کنیم ، با يك اساس متینی امپراطوری عثمانی را نگهداری کنیم ، با يك حرکت مدھنی حقوق مصریها را مطالبه کنیم ، با يك نمائش فوق العادۀ جزایر محیط اوقیانوس هند را از صدمات اجانب باز داریم ، با يك حسن نوع برستی مسلمانان چین را شریک در ترقیات خود کنیم ، با يك زیان خونی بخارا را نصیحت کنیم ، با يك تدابیر عملی اعراب را بفھانیم ، برادران - اروپا انصاف ندارد امیدوار نباشید ، سیاست راست نمیکوید مطمئن مشوید علم حقوق جز قوه در دنیا موجود نیست - مغرور مشوید باسیان جز اتحاد شما را نگهبانی نمیکند ، غافل منشینید ، ای مسلمان شیعه هند بشما میگویم که این شخصی فسد مستند را که ادعای ریاست مذهبی دارد بر خود رئیس مکنید ، این مجسمه خیالات اجاب و دشمن نوع برستانست از ریاست اسقاطش کنید این سالی چند لک روپیه که از شما میگردد صرف خرابی اتحاد اسلامی میکنند ، گول نخورید ، اگر نه میگویم خدای نکرده روح شما فاسد شده که چشم دارید نمی بینید گوش دارید نمیشنوید ، حس دارید نمی فهمید

خادم آستان مبارک حسینی

السید محمد کاظم آل طعمه منیر التولیه

ترقی معارف اسلامیہ

بحمد الله والته در این قلیل زمان آوار مشروطیت اسلامی که اول آن نشر معارف است در قبة الاسلام عراق عرب نمودار گردیده ، اخبارات عربی و جرائد ترکی و مجلات فارسی یکی بعد دیگری مانند کواکب سعد از آن مطلع اوار معرفت طلوع میفرماید (فشرکه ثم شکرله)

سابق مجلۀ بنام (الفراء) در نجف اشرف اشاعت شد که اینک موسوم به (درة النجف) گردیده ، چند هفته قبل جریده بنام (اخوت) که چشم برادران اسلامی را نوربخشا بود از بغداد انتشار یافت ، درین هفته جریده شریفه (نجف) از نجف اشرف انتشار یافته و این سه بزبان شیرین فارسی عباراتی سلیس و خیالاتی عالی اشاعت می یابد . و ما امیدواریم که عمأ فریب مجلات و جرائد طالع مانند مصر از عراق که حرکات روحانیت اسلام

است اشاعت یابد و ما با کمال امیدواری توجه معارف خوانان اسلامی را بطرف این دو جریده و یک مجله جلب می نمایم و تمیناً مقدمه که در جریده شریفه نجف در شماره اول نشر یافته نقل می کنیم .

(نقل از روز نامه شریفه نجف)

اما بعد مرغان دور از چمن و غریبان آواره از وطن که در عمر خود غیر از جنگال شاهین پیداد ندیده، و بجز صوت منکر استبداد نشنیده بودند دریابان بی آب و دانه سر در زیر بال برده پهلوئی داشتند، تا بلکه ایام حیاتی که ستم هزار بار به از آن است بیابان رسد و از بندرقیت عزیزان بیجهت رسته و قود و خداوند کریم نماید،

عمری و این منوال بگذشت و هر دی برعصه و اندوهشان می افزود، گاهی از نعره توب و روسیان ایرانی زبان رشته حیاتشان در کارگسیختن، و گاهی از صبر و قلم کاتولیکان اسلامی لباس اوضاع حواس و مشاعرشان مختل، تا اینکه ظلمت حرمان را فروغ وصل از بی، و سیم دلارای معرفت و معدلت وزیدن گرفت، نوای الحق الحق و لوای الابد الابد از سرزمین ایران بلند شد

در نخست بار چند نیر فلک توت از افق تبریز طلوع نموده قبد عبودیت معبودات باطله را در هم شکسته ببالگ سیف و قلم غرورش بر آوردند که ای همدیان این گروهی که چندین قرن شا چهل کرور هوس را بفلامی و کنیزی گرفته اند بر شا هیچ برتری ندارد، این قوم دارای دو سر و چهار چشم و هشت دست و پا نیستند، نه در فنی از شا اعلی و نه در هنری بر شا مقدم، نه در شانسان آتی مازل و نه در حقیقت روایتی وارد، و نه از خانواده سیادت، و نه از عرش اعظشان بلبت سلطنت و نه مؤید و منصور بدیوان و بریان و فریشتگانند

کسانی که در تکالیف آسمانی با شا یکسانند بکدام جبرت بر شا صاحب حق و فرمانروایی مطلق باشند

حکومت شوریه را که محامدش از ضروریات دین و منصوص کتاب و سنت است برای چه گذارید، و حکومت خودسرانه جاهلان فاضلان این

جاعترا که بر ضد قوانین عقل صریح و مخالف تقواید نقل صحیح است بر خود وا داشتند، اساس اسلام بر حریت است نه و قیوب، مبذلی دین بر مساوات است نه بر تفاوت، اصل شریعت عدالت است نه ظلم، این نواهای بی دربی در اطراف پیچیده غیوران سعادت مند را متحرک ساخت، آن عزیزان بسته بسته از جانب جنوب و شمال نهضت نموده آنچه مقدر بود انجام دادند (جزاهم الله عن الاسلام و اهله افضل الجزاء) پس از آنکه کار تا درجه بیلیان رسید این بینوایان

نظر در اطراف افکندند امور دین و وطن را با این حرکات و اقدامات در کمال تشویش و اضطراب دیدیم، مملکت از دین خرابتر امر دین از مملکت مشکل تر، ملت اسلامی در خواب، دشمنان داخلی و خارجی در انجام مقاصد خود، قلوب اهل اسلام ملو از شبهات و خرافات، سرهای عامه خلق بر از هوا و هوس تصور اصلاحخانه غیر مسدود، خطبای ملت آخذ مهم و تارک اهم، نوع مردم جاهل معنای قانون و دستور، حقیقت حریت و مساوات بر اکثر خلق مخفی، چهره سیاست و ترقی اسلام تیره و تار، مسلمانان بیگانه از علوم و صنایع لازمه، با صد کرور هوس اسلامی در اطراف دنیا خوار و زار، مسلمانان با جهل و بریشانی ملازم، احباب صلیب و زنار در صدد اضحلال قرآن مجید و تخریب اماکن توحید، اعظم مصایب آنکه درین دوره بسبب حرکات ناشایسته متقی ستمه و اراذل که برخلاف قانون عقل و نقل صادر شده دین مبین اسلام در انظار اجانب هرج و مرج بقلم رنقه و شریعت حقه را منافی علم و عدالت و مابین با رسوم آدمیت میخوانند، لازم بر این ضحفا چنان شد که افتتاح نامه نموده آنچه در عمر خود از اسباب و علل ترقی و تنزل ادیان و دول دیدیم بر حسب اقتضای وقت بر عرض برادران دینی و وطنی خود برسانیم و از مطالبی که بحال ملک و ملت اسلام سودمند است با عبارت ساده بحث کنیم، تا در نظر آن عزیزان حقیقت از مجاز ممتاز و دوست از دشمن معین گردد و عموم مسلمانان بدانند که دوستی کنار با آنها دوستی گرگ و میش است، چه آنکسایکه مسجد را در مقابل کلیسا باقی نمیگذارند هملست که با عمل مسجد براسق و دوستی، قدم زنند، خصوصاً گروهی که

قریباً فطری و فطری است. ما بومه و اکتوب بر
 مرکب آشفه سوار شدند، و نیز بمرض برادران
 عزیز می‌رسیم که دین بین اسلام که در این دوره
 اخیر مستفوش خیالات فاسده خودسران و هوسناکان
 گروهی و چون از شناسنامه استبداد ملک و ملت اسلام را
 خالی از سیف و قلم دیدند هر یک بعنوان برخاسته
 و مشق از عوام اهل اسلام از جاده شریعت
 حق بر کنار و با عقاید اسلامی معاند کرده اند
 و این ثلثه دینه در دولت و ملت کمال مضرت
 و موجب تشتت اهواء و تفرق افکار اهل مملکت
 است. بدیهی است که چون گروهی را مسلک دین و
 عقاید یکسان باشد در حفظ و استقلال مملکت
 همدست شوند.

این ضمای گمنام اعلا اب عام تمام اهل عالم
 داده خواش می‌کنیم که هر کس در هر جای دنیا
 در اصول یا فروع یا اخلاق یا سیاسیات اسلام
 شبه دارد این شبه را مشروحاً باین طرف بنگارد
 و آنچه را از عقاید حقه شیاطین داخل و خارج
 در نظر اوست یا باطل نماید داده اند باین سمت
 بفرستد که با کمال جِد و اهتمام در جواب ابواب
 و رفع شبهات حاضر و متطویر

و از بزرگان اسلام مستدی چنانچه که این
 جریده را که فی الحقیقه نجاتنامه دنیا و دین مسلمین
 است بنظر مرحمت نگریسته در اصلاح مصایب او
 بکوشند و آنچه در انظار آن بزرگواران طریق
 صدق و حق است ارسال دارند که با کمال منت
 درج خواهیم نمود

و اگر جوابی در این نامه بر طبق صواب
 داده نشد یا از روی غفلت ترک اهم و ذکر مهم
 کردیم بعد از اخطار در تدارکش خواهیم کوشید
 (ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم)

همچنین نقل از جریده مذکور

(نصف اسلام در بخارا)

پس از انتشار خبر و مقاله در پهنان مسلمانان
 بخارا که سبب حزن اسلام و مرور کفر و مبنی
 از طابت و خیم و اثر مشوم است، حضرت غوث
 المله والدين علم الحق والیقین تاشر الیه العدل والامان
 المؤید من عباده شیخ الطائفة آیة الله فی السالین حجة
 الاسلام والمسلمین آقا آخوند ملا محمد کاظم خراسانی

ادامه تالی ظله - اولاً تلگرافی بملای بخارا دو
 التزام بصلح با تاکید بسیار فرمودند، سپس تلگرافی
 باسلامبول نوشته از حضرت شیخ الاسلام دام‌عنه
 خواستند که اثبات با قضاء و اهل قنای بخارا
 مخبره فرموده آنها را ملزم بصلح و دوستی نمایند
 صورت تلگراف باسلامبول

در علیه . بحضور حضرت المشیخه الجلیله الاسلامیه
 دامت برکاتها

بلقنا حدوث فتنه عظيمة بین المسلمین فی بخارا
 علی وجه قتلت فیها النفوس العظيمة و هتکت الاعراض
 المحترمة و تلتت الاموال بحيث اوجب ذلك مداخلة
 الاجانب و هذا واقعه مضر بالدين و یفرق شمل المسلمین
 و دفع امثال هذه الحوادث مطلوبة من رؤساء الاسلام
 وقد اخبرنا تلغرافاً علماء بخارا والزمناهم بالاصلاح
 والاصلاح و عقد الاخوة اتمامه بین المسلمین كما امر
 بذلك ینتم التین صلی الله علیه و آله فیرجوا من
 حضرتکم السامیه مخبرة القضاء و اهل الاقواء والزامهم
 بالانحداد والاخاء و ان یكونوا جمیعة متحدة لان الملة
 الاسلامیه واحدة و بذلك تنقطع يد الاجانب ولا یبقی
 مجال لافسادهم و دسائسهم والامر الیکم و السلام
 علیکم و رحمة الله و بركاته

(الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

مراسله محترمة هیئت علمیه اصفهان
 خدمات ملیه و تأییدات اسلامی که از هفده
 سال قبل بعالم اسلامیت و انسانیت و مجامعات فوق
 العاده که در بیداری و هوشیاری عموم ملت فرموده
 اند موجب تشکرات کامله است، در واقع نامه مقدسه
 همه وقت منادی سعادت و استقلال وطن و مدافع
 تجاوزات دشمن بوده مندرجات حقیقت آیات آن
 باید حافظ حدود و شئون باشد

در نمره ۳۱ مستند بوقایع نگار اصفهان شرحی
 راجع باتحادیه علماء اصفهان درج فرموده اند، در
 چند نمره قبل هم مختصری در همین عنوان مندرج
 بود، اولاً لازم میدانیم اجمالاً خاطر اعضاء اداره
 محترمه را متحضر دارد که تاسیس این اتحادیه
 بموجب نظامنامه مخصوصه است که در طهران تحت
 طبع میباشد عیناً انشائه افتاد میشود بهیچ وجه تخطی
 از مواد آن نمیشود و ابداً وسیت ندارد و در
 هیچ امری مداخله نشود غیر از ارجاء با ادارات و

مراکز لازمه در مقام لزوم ابدأ اقدام نموده و نخواهند نمود، تمام سعی هیئت در تقویت اساس مشروطیت و ترویج احکام مشولیت و تأیید قوانین معدلت است سعی جلیله علماء اصفهان در تاسیس این اساس سعادت بر احدی پوشیده نیست

بزرگترین دسیسه مستبدین مشروطه نما در این زمان اینطور اتهامات نسبت بمؤسسين واقعه مشروطیت است که موجب انزجار قلوب را فراهم و در واقع هوس اساس سعادت را مینمایند، حجه اینکه تمام علماء اعلام جریده مقدسه را بحسن قبول تلقی مینمایند همانا مراتب بی عرضی جنابعلی و اعضاء اداره جلیله است، در این صورت وجدان پاک جنابعلی و آن اعضاء محترم چگونه رضا میدهند این طور لواط که متضمن اکاذیب و مطالب غیر صحیح است درج فرمایند و هتک شرف هیئت علماء اصفهان را در اقطار عالم منتشر دارند

نایا برای رفع شبهات که القاء کرده اند لازم میدانیم مندرجات نمره ۳۱ راجع باین مطلب را در موقع تحقیق و تدقیق گذارده مطابق قانون مطبوعات در عدلیه استنطاق و کشف حقیقت حال بشود

لذا اعضاء صاحب مکتوب و معرفی او را درخواست مینمایم که با وکیل هیئت علمیه جلب و عدلیه شده صورت استنطاقات و نتیجه تحقیقات با اداره محترمه ابلاغ میشود، اگر واقعا انعقاد اتحادیه علماء موجب خلاف مقصود مشروع اعضاء آن باشد ترك آن اولی و منفعول خواهند کرد، ایام اتحاد مستدام باد (مدیر هیئت حاجی آقا)

جبل المنیر

سابق در جواب تلگراف انجمن ولایتی هم که درین موضوع شده چه خطاً و چه در اخبار نوشتیم درین مقام هم همان جواب اکتفا می نمایم

و نظر برادرنسکه اعضاء این اداره اسلامی بنوع علمای اعلام دارند هرگاه زیاده بر اینهم جبران نخواهند حاضر خواهیم بود، و ما این مراسم محترم هیئت علمیه اصفهان را تردید نگارشات آن مقاله یعنی آنچه در حق هیئت علمیه نوشته بود می بنداریم و کان می نمایم که این استنطاق عبرت بخردی برای آینده باشد

مکتوب یکی از علمای معروف اداره که چون قرنها میگردد که طاغنه زردشتی و هنوز

و یهود در کرمان و یزد لباس مخصوص دارند و از قدیم طبع الامتياز آنها از مسلمان ها شده و در محوطه شهر سواره عبور نمی نمودند حتی وقتی باینده انگلیس خواست هندو ها را اجازه سواری دهد خود آنها اقدام نکرده خواب دادند ماها باید برضای طامه و علمای شهر رفتار نمایم، چرا سکه با آنها تجارت داریم، این جور مطالب جزئیه قابل مشاجره نیست و شاید مثل یزد بالکل دست ما از تجارت با آنها ممنوع گردد.

این اوقات سکه سلای حریت و مساوات داده شده حضرات زردشتی اگر چه از همه حجه آزاد بلکه برتری دارند، زیرا که عموم تجارت این شهر منحصر است بآنها، و کلین آنها باین جزئیات اعتنا ندارند، بعضی جوانهای آنها که از طهران آمده یا در کرمان بوده تغییر لباس داده عبا و کلاه پوشیده کسی هم متعرض آنها نشده، یک روز چهار بجنتر اطفال طلبه میروند در کاروانسرای زردشتی ها و بآنها میگویند عبا و کلاه دیگر نپوشید و همان لباس معمول ملیس بپوشید، آنها نیز از قرار مذکور قبول نموده لکن مراتب را به نظمیه خبر داده نظمیه جمعی پلیس فرستاده در مدرسه آنها را گرفته نزد ایالت میبرند چون یکی از آنها که بازده سال دارد پسر جناب آقا میرزا اسمعیل مجتهد بوده هیچانی در مرده ایشان پیدا شده، جناب آقا میرزا اسمعیل و جناب آقا میرزا محمود را که برادر جناب آقا میرزا اسمعیل میباشدند از خانه بمسجد آورده سایر علما را نیز بمنظف حاضر کرده و جمع کثیری بدون اسلحه جمع شده شکایت آغاز نموده که در قانون اساسی ایران این است که باید قوانین ایران موافق شرع مطهر اسلام باشد، بعضی عنوانها که عبارت از تحدید مالیت باشد و تحدید دلالتی و مالیات اموات وغیره باشد خلاف شرع است، وزیر بار این جور مطالب نباید رفت،

در این میان چند نفر رجاله با پلیس و ژاندارم نیز زدو خوردی کرده لکن مصلحین خیر اندیش مردم را ساکت و متذوق نموده چند قبضه تفنگ نیز که از پلیس گرفته بودند بآنها رد کردند روز بعد جناب آقا میرزا اسمعیل که از اخیار و سی سال است با ما است و موعظه در مسجد ملك مشغول میباشد بتهنیه و

مردم را موعظه نموده که هرگز پیرامون فساد نگرند، جنگ وجدال ننمایند، و مشروطه نیز باید مشروع باشد، هر حال بکلی غایب تمام شد.

شب یکشنبه ۲۹ ربیع الاول گویا حسب الامر اولیای دولت جنابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا محمود مجتهد و پسرهای ایشان را عده از پلیس و ژاندارم دلوار گرفته برداند، علی السجابه معلوم نیست بطهران برده یا بطرف دیگر برداند، در این مدت هرگز عنوانی برخلاف مشروطیت از ایشان روز نکرده الا آنکه مشروطه در صورتی که مطابق شرع مطاع باشد مدوح است و الا فلا، سمت رشوه خوری و آشوب طلی نیز در ایشان دیده نشده، ایشان را نمیتوان مثل ملا قربانعلی زنجانی یا شیخ فضل الله حائدرانی قیاس کرد که بر ضد مشروطه اقدامات داشته باشد، مرده ایشان صدق دکان دارد و کسبه فقیر بوده، بر فرض دو نفر او باش آشوب طلب هم خطائی کرده باشند یا چهار نفر طفل بی تجربه چیزی گفته باشند این نوع سلوک با اشخاص عالم متقی از عدالت اولیای امور دور است، و این مطلب باعث ازجار قلوب عموم اهالی این مملکت است خوب بود استطاق می نمودند.

امروز البته هرگاه بکنفر ملای آشوب طلب بی دین رانی بر ضد مشروطیت اقدامی نماید علمای اسلام حکم باندام آن میزنمایند، لکن با علمای مزوی بدون تحقیقات این نوع سلوک نمودن معلوم نیست جز با شتاب کاری نمیتوان محلی قرار داد، اگر علماسکوت فرمایند که بعضی اشخاص مشروطه نما هرار جور بی اعتدالی را مرتکب خواهند شد، اگر چیزی بگویند آنها را تنبیه و بر ضد مشروطه میخوانند، آیا این اشخاص دارای اسلحه بوده؟ خیال جنگ و جدالی داشته؟ دو نفر ملای فقیر در گوشه منبر چهار نفر کلسب و پیره زن را موعظه می نمایند، ماها میخواستیم بقوه اسلامیت خود اتفاق بنایم حای دولت و ملت باشیم، همه کس شکایت دارند مردم حکرمان چرا طالب انتخاب وکلا و دادن اطافه و اداره کردن ادارات نمیشند، با این وضع که سالها در تحت فشار ظلم بوده امروز از اطراف بلاهای آسمانی وزمینی بر آنها فشار آورده تمام دهات آنها را سیل خراب کرده فشار و تاراج باین شدت در هیچ عصری

نبوده، اینهم سلوک با علمای آنها، این دو نفر بچاره فقیر که در کرمان معروف بانزوی و قوی میباشند باین حالت شب بردن و معلوم نیست سلوک مأمورین با آنها چه بوده، شب تاریک در خانه کسی رفتن و آنها را باسیری بردن، اگر آنها منشا اثری بودند لامحاله بلوی می شد، البته بعضی فرضین القاء شبهات نموده و آنها را اشخاص شورش طلب با استمداد بخرج داده است

چنانچه در اول مشروطه نیز بواسطه اینکه گاهی در منبر از ادیان جدید بد میگفتند عوام را محرک شده در سدد ایذاء و ادبیت آنها بر آمده نگارنده هرگز دهات در هیچ امری ندارد چون این واقعه قلوب يك کرور مخلوق کرمان و بلوکات را منزجر از مشروطه نموده، هرگاه میخواستیم با اولیای امور مراتب را عرض کنیم نه قوه تلگراف و عریضه نه اطمینان به پشرفت مقصود، علی السجابه چون آنجناب را حای اسلام و بی غرض میدانم صدق ماجری را عرض کردم. اگر چهار نفر رجاله خلایق بنمایند مجازات آنها اهمیت ندارد، نسبت به علمای اسلام این جور توهم و دات کتان ندارم مصادر امور راسی باشند، دیگر چه براسی اسلام باقی ماند، امید تا زود است اولیای امور جبران نمایند ورنه امید هیچ چیز برای ماها باقی نیست. ماها عوام الناس را از استیلابی خارجه میترسانیم که دین و مذهب ماها میبود، زهی بدبختی که خود مان باین قسم اعمال افتخار بنایم و عامه را مایل باستیلابی اجاب سازیم، زیاده از این حالت عرض ندارم و همین مختصر ختم میکنم

تعجب است که درب مسجدها را پلیس با اسلحه نشانیده حای افسوس است که بتدکرافات غیر واقع باین جزئیات اهمیت دادن و القاء شبهه نمودن در نزد اجاب روسای خود را خوار و خذیف کردن معلوم نیست از انجمن ایاتی کسب اطلاعات نموده یا آنها اقداماتی در اصلاح نموده باشند لکن مسلم است انجمن هم اسی بی مسمی و بیبچوجه منشا اثری برای ملت بدبخت نیست

حیدر المبین

جنابان مستطابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا محمود را ما از زمانیکه در اسفهان مشغول به تحصیل

بودند می‌شناسیم از فحول علما و فضلاء متقی اند ما تصدیق داریم که جنبه شورش انگیزی و ماده مخالفت با دولت در ایشان نیست، و ما تصدیق داریم که حامی استبداد و مخالف مشروطیت نمیباشند، اگر مخالف قانون واقع شده و اضرارها اقدامی نموده ربطی بایشان ندارد، و ما همین قدر جلب توجه اولیای دولت را معطوف میداریم که این دو وجود طبعاً مائل به فتنه انگیزی و انداختن آشوب در ملک نبوده و نیستند و با کمال ادب علمای اعلام را متذکر می‌سازیم که طلاب و مردم خود شایسته متنبه سازند از حرکات بی‌قانونی که در ادوار ساله از ایشان سر میزد - اگر درین دوره هم طلاب یا وجاله در هر شهر فعال ما یثاء باشند با دوره سابق چه فرق خواهد داشت - هرگاه امری خلاف شرع و قانون مشاهده نماید باید رجوع محلی یا شورای ملی بشود ورنه تصرف هرکس در هر کار داعی بر هر گونه هرج و مرج میگردد

حکومت وزارت تجارت ایران

درین دوره از ابتدائی که تشکیل کابینه وزرا شد نمیدانیم بچه ملاحظه انتخاب وزارت تجارت را نمودند، و حال آنکه امروزه روح ثروت و ترقی مملکت بسته با اصلاحات تجاری است - و وزارت تجارت در ممالک مترقی مهمترین وزارت خانها شناخته می‌شود

از جرائد لندن و اخبارات فارسی مؤثره بشارت تکمیل این نقیصه را در کابینه وزراء ملاحظه نمودیم بعضی جناب آقا میرزا شکرالله خان معتمد خاقان که از خانواده جلیله صدر اسفهان می‌باشند و امتحانات خود را کاملاً در وطن خواهی چسه در دوره مشروطیت اول و چه در این دوره داده‌اند بوزارت تجارت در مجلس شورای ملی معرفی شدند.

جناب معتمد خاقان در مهاجرت از ایران ایامی که در اروپا بودند خدماتی به مشروطیت ابرایش نمودند که همسری بلکه برتری با خدمات سایر خدام حقیقی وطن می‌نماید، اگر هیجان سلسله جلیله بختیاری را بر خلاف استبداد از اینوجود منقح گوئیم، سخنی بگزارف نگفته‌ایم، و پس از آنکه با جناب سردار اسعد از طریق بمبئی و اهواز بجانب اسفهان و هسپار شدند، نیز در تکمیل خدمات اولیه

از بذل مال و منال درسوی اودوهای عبیده بختیاری بجانب طهران فروگذاری فرمودند، چنانچه بر احوال مصارف اردو از قراری که اطلاع یافتیم مبتنی به اعتبار شخصی قرض و صرف این طریق مجامعت اسلامی فرمودند، و پس از ورود به طهران بدو با عضویت هیئت مدیره منتخب و با اکثریت آراء قرعه ایالت فارس بنام ایشان زده شد، وطن شناسان حقیقی در آن موقع خروج ایشان را از طهران صلاح ندیده، چنانچه اداره جلال‌التین نیز تا تکمیل بر عدم حرکتشان از طهران محرمه نمود، از آن بعد بحکومت طهران منتخب و الحاق حکومتی قانونی و بسیار منظم و مرتب نمودند، تا اینکه تلکرافاً اهالی کرمان ایشان را بوکالت مجلس مقدس انتخاب نموده فوراً از خدمات دولتی صرف نظر کرده و بخدمات ملی که وکالت پارلمان باشد اقدام کردند، ولی اصرار وزرا ایشان را به تکمیل نقیصه کابینه و ادار ووزارت تجارت را قبول کردند.

اداره جلال‌التین پس از اظهار تبریک به آت یگانه دوست مشروطیت اظهار میدارد که خوش وقتی دوستان صمیمی جناب عالی وقتی خواهد بود که ملاحظه نمایند از روی علم و وجدان از انجام اینوظیفه بزرگ که خیلی اهمیت دارد بر آئید، و نظر بر آن اطلاع و حسن ظنی که داریم می‌توانیم قلب خودرا مطمئن سازیم که جناب معتمد خاقان بهترین وزرای تجارت ایران خواهندبوده ولی ما درین دوره باین جمله قناعت نتوانیم نمود، و مترصدیم که این یگانه خدمت گذار وطن وزارت تجارت ایران را اگر تالی وزارت خانهای تجارت سایر ملل نمایند اقلآ از سایر وزارت خانهای ایران عقب نیوفتند، و ما در آینده شرح اقدامات ایشان را در وزارت تجارت مشروحاً خواهیم نگاشت و امیدواریم که دوستان صمیمی ایشان را مایه فخر و مباهات گردیده، خدمات اولیه شان را مزید انجلاء گردد.

بنادر یا مملکت بی صاحب

(قابل توجه وزارت منافع عامه)

در بندر خیر (۱۸) فرسخی لشک معدن بزرگ از فلز شبیه به نیکل پیدا شده، حاج عبد الرحمن کاکم پستی وکیل جہازات کیانی روسی مقیم لشک

با شیخ محمد بن شیخ عبداقه ضابط قدیم خیر بدوست کرده، مخفیاً تا امروز (۶۲۸) بسته تقریباً هر بسته ۲۰ تن تبریز که (۱۲۰۶۰) تن تبریز باشد قیمت مقارن (۵۰) هزار تومان در جهاز تجارنی بیوس حمل اودیه نموده، موجودی و آمدنی نیز خیلی دارد

(ایضاً)

محمد ابراهیم بوشهری مقیم عباسی تقریباً بقدر حاج عبدالرحمن کاظم بل زیادتر از راه عباسی حمل فرنگستان کرده، در خیر قرار هر من تبریز یک قران و بیج شاهی از شیخ محمد مرهور خریده اند، حقیقت انسان وقتی فکر میکند مهوت می شود خیر مال کسب و منصرفین از کی اجازه داشته اند و امتیاز چنین معدن زرخیزی چه وقت از دولت حاصل کردند، مگر ندر حیر خودش مستقل است و در تحت حکم دولت و پارچه از تملکت ایران نیست، عجب قانون و عجب مشروطه ایست، در صورت احتیاج امروزه دولت که در هردی حسی مثل آفتاب روشن است، جنس معدن زرخیزی وقت شکم پرستان باشد

مکتوب از لشک

بعد از انتخاب (۲۰) نفر اعضای انجمن بلدیة دیگر اقداماتی شده، و تمام امورات مهمل است بعد از واقعه قتل عبدالحسین حیدر آبادی سه نفر فقیر کاسب زرگر در بازار مساح ساعت (۴) از شب در حالیکه از دکان خود پنجاه میرفتند، داروچه آنها را گرفته و بدارالحکومه میرساند، مکرر استطاق شده اند با حضور نماینده انگلیس، و بالغ بر (۵۰) روز است که بدون تقصیر محبوس اند، نایب الحکومه نیز خود معترف بر بی گناهی ایشان و مخصوصاً به جناب دریابگی اطلاع داده، و منتظر حصول اجازه از جناب معظم الیه است، در تمام ممالک عالم اعم از مشروطه یا مستبده شخص متهم و یا مقصر پس از استطاق تقصیر یا غیرتقصیر او ثابت و آنچه قانون است در باره او مجرا میدارند

(لار) حکومت ندارد، تمام طرق و شوارع ناامن امکان احدی نیست که از خانه و منزل خود بجای دیگری آمد و رفت نماید

(گراش) محمد جعفرخان گراشی طایفه (دلوخان)

که بزدی معروف اند نزد خود جای داده اموال مهبوبه برادر وار بین آنها تقسیم می شود، چند بیوار از طایفه مزبور بصحرای باغ فرستاده اند که بطایبات بگیرند، کلانتر آنچه رئیس علی تقی صرف جواب داده و مالیات را موقوف بورود ایالت فارس و آمدن حکومت لارستان نموده است، لذا بین ایشان کار بزد و خورده کشیده عدة تلانات غیر معلوم است (بستک) محمد تقی خان (۲۴۰) نفر قشنگچی به قریه (کل) که جمعی محمد باقر خان اشکنانی است فرستاده از برای کشتن یا گرفتن (۵۰) عبدالواحد) نامی با اتباع او کم چندی است از شدت ظلم محمد تقی خان از حاکم بستک هجرت بر قریه (کل) نموده بعد از ورود (۲۵۰) نفر و امتداد چند ساعت جنگ، ۵ یا ۶ نفر از آنها مقتول و مراجعت به بستک میکنند، افواه است که عیال (ملا عبدالواحد) هم کشته شده

(ایضاً) قافله محموله مالالتجاره لاری که از لشک به لار و از لار به لشک می آمده است در بستک محمد تقی خان ضبط کرده، بعنوان اینکه در ماه رمضان ۱۳۲۷ اشرار مهاجین بستک که تمام اموال بستک غارت و یکصد نفر مقتول و در دمات نیز دست اندازی و خرابی کردند، تحریک لاری ها بوده هر وقت دولت اقدام در قلع و قمع اشرار و استرداد اموال مهبوبه نمود من هم این مالالتجاره را مسترد میدارم و الاخیره از طرف تجار لاری مقیمین لشک و نایب الحکومه درخواست مرخصی اموال مهبور از محمد تقی خان کرده اند. تا امروز جواب نداده است دو روز قبل تلگراف ذیل از عباسی وارد و بتوسط نایب الحکومه برای محمد تقی خان فرستاده شد، تا چه شود

از طهران به بندر عباس، جواب نمره ۲۱، حکومت جلیله بنادر - تجارلاری مقیمین لشک تلگرافاً اظهار کرده اند بیج قافله شتردار و الاغ دار که حمل آنها قاش و قند و چینی بوده از لشک برای لار حمل می کرده اند بانضمام چهار قافله دیگر که از لار به لشک حمل داشته، در بست و ششم ربیع الاول محمد تقی خان بستکی گرفته ضبط کرده است همین تلگراف را برای محمد تقی خان فرستید و حتی این مالالتجاره را از او گرفته به تجار رد کرده قبض